



خبرنامه الکترونیکی انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری

شماره ۲۷

بهار ۱۴۰۰

مدیر مسئول:

دکتر مصطفی معین

سر دبیر:

دکتر مریم مالمیر

همکاران این شماره (به ترتیب حروف الفبا):

محبوبه آطاهریان

محمد خان احمدی

محدثه خلیفه لو

لیلا مظفری

گوهر نصرتی

تهیه و تنظیم: کمیته انتشارات و ارتباطات انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری



"من كنت مولاهذا علي مولاه"

بدین وسیله انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری

پیشکش حلول عید ولایت و امامت را که به شکرانه ی تکمیل دین و تتمیم نعمت بهگان

با عرشیان و فرشیان است، محضر شما و همه ی شیعیان

تبریک و تهنیت عرض می نماید.

سخن نخست

سلامت روان در پاندمی کرونا

پاندمی کرونا شرایطی ویژه را برای انسان ها در سراسر جهان به وجود آورد و پیامدهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی فراوانی را به همراه داشت. بی شک این پاندمی به واسطه ایجاد احساسات منفی، ترس، نگرانی، گسستگی اجتماعی و ... تأثیری عمیق بر سبک زندگی و سلامت روان مردم داشته است.

سلامت روان یکی از مولفه های اساسی در سلامت عمومی است و با کاهش ریسک ابتلا به برخی بیماری های مزمن (همچون بیماری های قلبی، دمانس، دیابت، اضافه وزن و ...) و نرخ مرگ و میر در ارتباط است. سلامت روان حالتی از نیکزستی است که به افراد توان مقابله با استرس های زندگی را می دهد و آنها را قادر می سازد در فعالیت های اجتماعی با حداکثر توان خود مشارکت کنند. وجوه متعددی در سلامت روان وجود دارد. برای نمونه: آزادی های شخصی، امنیت مالی، ثبات اجتماعی و فاکتورهای سبک زندگی فردی و ... که همه و همه سلامت روان را تحت تأثیر قرار می دهند. متأسفانه با پاندمی کرونا بسیاری از این وجوه دستخوش آسیب شده اند. پاندمی کرونا منجر به انزوای شخصی و اجتماعی، قطع ارتباط میان اعضای خانواده و دوستان، قرنطینه و قفل شدن فعالیت های اجتماعی شده و در نتیجه افراد بیش از هر زمان دیگری احساس درماندگی، انزوا، غم، اضطراب و افسردگی دارند. چنین احساساتی به دلیل پاندمی کرونا طبیعی است. از آنجا که محدودیت های اجتماعی و تعطیلی های اقتصادی بسیار بیشتر از آنچه پیش بینی می شد در جای خود باقی مانده است، آسیب های روانی آن نیز افزایش داشته است. با چنین شرایطی فعالیت ها و استراتژی های مقابله ای که افراد برای گذراندن سالهای گذشته به آنها اعتماد داشته اند ممکن است مانند گذشته کارآمد نباشند.

تأثیرات روانی پاندمی برای گروه های مختلف متفاوت است:

کودکان و نوجوانان: همه کودکان و نوجوانان به این شرایط پاسخ یکسانی نشان نمی دهند اما بی شک استرس، انزوای اجتماعی و گاه ایجاد یک محیط مناسب برای سواستفاده از کودکان تأثیرات کوتاه مدت و گاه بلند مدت بر آنها دارد. رایج ترین مشکلات روانی در کودکان و نوجوانان عبارتست از: رفتارهای ناسازگارانه، افسردگی، مشکلات تمرکز و توجه، تغییر عادات یا اجتناب از فعالیتهایی که در گذشته از آنها لذت می بردند و تغییر در عادات غذایی.

سالمندان: افراد مسن به دلیل داشتن سیستم ایمنی ضعیف یا سایر شرایط بهداشتی زمینه ای بیشتر مستعد ابتلا هستند. بنابراین بیشتر ملزم به رعایت فاصله گذاری اجتماعی هستند و این می تواند تأثیرات منفی شدیدی بر سلامت روان افراد مسن بگذارد. از مهم ترین پیامدهای روانی پاندمی در سالمندان می توان به تحریک پذیری، تغییر عادات خواب و تغذیه و طغیان های هیجانی و افسردگی اشاره کرد.

کارکنان حوزه بهداشت و سلامت: پزشکان، پرستاران و پیراپزشکان در زمان پاندمی هایی از این دست مستعد ابتلا به مشکلات روانشناختی هستند. ترس از ابتلا به بیماری، ساعت کاری طولانی، در دسترس نبودن تجهیزات و وسایل محافظتی، در دسترس نبودن دارو، مرگ همکارانشان پس از قرار گرفتن در معرض بیماری، دوری از خانواده و دوستانشان و وضعیت وخیم بیماران، این گروه را در معرض خطر جدی برای ابتلا به بیماری های روانی قرار می دهد.

همچنین یکی از چالش های اساسی در زمان پاندمی ها مبحث انگ زدن و برچسب زنی است. این برچسب زنی از ۳ عامل اصلی نشأت می گیرد: (۱) بیماری جدید است و هنوز ناشناخته های زیادی برای آن وجود دارد. (۲) ما اغلب از چیزهای ناشناخته می ترسیم. و (۳) آسان است که این ترس را به "دیگران" ارتباط دهیم. از این روی، متأسفانه در بین مردم سردرگمی، اضطراب و ترس به وجود آید و باعث تقویت کلیشه های مضر می شود که همین امر پیامدهای روانی برای کسانی که مورد برچسب زنی قرار می گیرند ایجاد می کند.

تأثیر پاندمی کرونا بر بهداشت روانی می تواند تا چندین سال پس از همه گیری ادامه داشته باشد و طولانی مدت باشد. بی شک افزایش شیوع اختلالات روانپزشکی شایع و خودکشی در زمان پس از همه گیری دور از انتظار نخواهد بود. افزایش دسترسی به خدمات بهداشت روان از جمله روانشناسی و روانپزشکی، ارزیابی زود هنگام، درمان و حمایت روانی-اجتماعی، غربالگری و پشتیبانی از گروههای خاص می بایست مورد توجه قرار گیرند. همچنین در صورت لزوم، اجرای اقدامات طولانی مدت برای کاهش تأثیر رکود اقتصادی بر سلامت روان از اهمیت بالایی برخوردار است.

نویسنده:

دکتر مریم مالمیر

روانشناس کودک

سردبیر



کوتاه نوشت زندگینامه علمی - پژوهشی

محمد خان احمدی

روانشناس بالینی

و

بازرس علی البدل انجمن ایرانی اخلاق در علوم و

فناوری



محمد خان احمدی متولد ۱۳۵۹، روانشناس بالینی و عضو پیوسته انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری می باشد که بازرس علی البدل در دوره ششم هیات مدیره هستند.

محمد خان احمدی مدارج خود را در رشته روانشناسی بالینی و عمومی از دانشگاه علامه طباطبائی دریافت کردند و علاوه بر فعالیت های بالینی و درمانی، در حوزه Scientific Journalism فعالیت داشته و به سه زبان انگلیسی، آلمانی و اسپانیایی تسلط دارند. همچنین ایشان در حوزه ورزشی نیز فعال بوده و در سالهای گذشته در رشته وزنه برداری و در وزن ۶۱ کیلو گرم چندین بار قهرمانی کشور را به دست آورده و هم اکنون دارای کمر بند مشکی و دان دو در رشته کاراته (کیوکوشین) می باشند.

سوابق تحصیلی

کارشناسی روانشناسی بالینی، دانشگاه علامه طباطبائی (۱۳۷۸-۱۳۸۲)

کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه علامه طباطبائی (۱۳۸۲-۱۳۸۵)

سوابق اجرایی، تحقیقاتی و عضویت ها

کارشناس روابط عمومی شورای عالی علوم تحقیقات و فناوری (۱۳۸۵-۱۳۸۷).

کارشناس روابط عمومی پژوهشگاه مواد و انرژی (۱۳۸۷-۱۳۸۹).

مدیر داخلی و ادیتور فصلنامه انگلیسی International journal of Ethics & Society (اکنون)

ویراستار و عضو شورای سردبیری فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری (علمی - پژوهشی) (اکنون)

ویراستار انگلیسی فصلنامه تعلیم و تربیت استثنایی

مسئول فنی مرکز روانشناسی و توانبخشی لوتوس (۱۳۹۸ تا کنون)

فعالیت به عنوان روانشناس در بیمارستان رازی (۱۳۸۹ - ۱۳۹۱)

همکاری در ۷ طرح ملی در فرهنگستان علوم پزشکی و دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم پزشکی تهران

عضو هیئت موسس مرکز تحقیقات سالمندی

عضو سازمان نظام روانشناسی و مشاوره کشور

عضو پیوسته انجمن اخلاق در علوم و فناوری

عضو جامعه پیش آهنگان استان تهران

انتشار ۱۸ مقاله در مجلات علمی - پژوهشی و ISI

تالیف و ترجمه

محمد خان احمدی، مریم مالمیر، امیر محمد شهسوارانی (۱۳۹۰).

مدیریت خشم در خانواده. تهران: نشر دانش آموز

داریوش فرهود، بیژن رنجبر، محمد خان احمدی، مریم مالمیر (۱۳۹۵).

نسل سوم همگرایی: همگرایی دانش، فناوری و جامعه. تهران: فرهنگستان علوم پزشکی ایران

Maryam Malmir, Mohammad Khanahmadi, Dariush D Farhud (2017) Dogmatism Fighting happiness. Germany: Lambert Publication

داریوش فرهود، مریم مالمیر، محمد خان احمدی (۱۳۹۸). شادکامی از نظریه تا عمل. تهران: نشر میعاد

داریوش فرهود، مریم مالمیر، محمد خان احمدی (۱۳۹۸). پیوندهای

اخلاقی میان پزشک، بیمار و جامعه. تهران: نشر میعاد

مریم مالمیر، محمد خان احمدی (۱۴۰۰). خشونت در خانواده و اجتماع. ارائه برای چاپ

محمد خان احمدی، مریم مالمیر (۱۴۰۰). خواب در گستره زندگی. ارائه برای چاپ

مصوبات هیات مدیره انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری

۴. مقرر شد برای اجرای طرح به اعضای انجمن فراخوانی تنظیم شود و ارسال شود.
۵. مقرر شد کمیته نظارت بر طرح با معرفی آقایان دکتر معین، نصیری، خانیکی، شمسی تشکیل شوند تعداد جلسات این گروه ۳ تا ۴ جلسه خواهد بود.

۶. مقرر شد پروپوزال اجرای طرح تدوین شود و در گروه قراردادده شود و ظرف یک هفته نظرات دریافت شود.
۷. مقرر شد طرح اخلاق دانشگاهی بطور ماهانه در دستور جلسه قرار گرفته شود.

- ✚ ادامه بررسی برنامه های پیشنهادی سخنرانی های سال ۱۴۰۰ به دلیل عدم فرصت کافی کمیته اجتماعات آمادگی ارائه برنامه نداشتند در جلسه آینده لیست برنامه پیشنهادی را ارائه می دهند.
- آقای دکتر نصیری آقای دکتر نامور مطلق برای سخنرانی های پیش رو انجمن معرفی کردند.

✚ طرح اخلاق دانشجویی

- به علت عدم حضور آقای دکتر خانیکی دستور بحث نشد
- ✚ شیوه نامه جایزه استاد قریب:

۱. اساسنامه جایزه در تخستین جلسه هیات امنای بررسی گردید و نهایی شد و در گروه واتسپی که برای هیات امنای تشکیل شده است قرار داده شد.
۲. در همین گروه شیوه نامه پیشنهادی قرار گرفته است و از اعضای گروه درخواست شد تا یک هفته نظرات خود را اعلام نمایند.
۳. در خصوص بخش خلق اثر خانم دکتر مالمیر با آقای دکتر نامور مطلق صحبت کنند.
۴. مقرر شد با اعضای کمیته علمی پیشنهادی صحبت شود که سریعتر کارها شروع شود، اولین دوره در یکم بهمن ماه سال جاری برگزار شود.
۵. مقرر شد پیگیری های لازم جهت جذب منابع برای جایزه انجام شود.

- ✚ گزارش مالی همایش اخلاق و فرهنگ شهرنشینی
- دکتر شامخی گزارش مالی را قرائت کردند

اعضای هیات مدیره انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری در فصل بهار سال جاری ۳ جلسه به ترتیب در تاریخ های ۲۳ فرودین ماه، ۱۳ اردیبهشت ماه و ۱۰ خرداد ماه، تشکیل دادند که در ادامه خلاصه ای از دستور جلسات و مصوبات هر جلسه ارائه می شود:

جلسه فروردین ماه ۱۴۰۰

دستور جلسه:

۱. طرح اخلاق دانشگاهی
۲. ادامه بررسی برنامه های پیشنهادی سخنرانی های سال ۱۴۰۰
۳. شیوه نامه جایزه استاد قریب
۴. گزارش مالی همایش اخلاق و فرهنگ شهرنشینی
۵. بررسی جذب منابع
۶. مطالب سایر کارگروه ها
۷. امور جاری و اخبار

صورت جلسه:

✚ طرح اخلاق دانشگاهی

۱. در تاریخ ۱۴۰۰/۱/۱۷ یک جلسه با پژوهشگران اصلی این طرح آقایان حشمتی و خانجانی در خصوص طرح بحث کلی داشتیم و یک جلسه مجازی در خصوص قراردادهای مالی با پژوهشگران بود. یک جدول هم برای اقدامات دوره طرح (۶ ماه) ارائه گردید
۲. پیشنهاد شد یک کارگروه شامل اساتید برتر در حوزه اخلاق و یا اساتیدی که کاری در این بخش داشته اند تشکیل شود که پیشرفت طرح که تعامل نزدیک با دانشگاه باشد و به نوعی پشتیبان طرح باشد که در این مورد دکتر نصیری پیشنهاد داد این کارگروه همان کمیته اخلاق دانشگاه شهید بهشتی باشد و دبیر کمیته به عنوان رابط دانشگاه و مجریان طرح باشد. همچنین دکتر نصیری پیشنهاد دادند می توانند نمونه پرونده هایی که در این کمیته بررسی شده اند توسط مجریان طرح مطالعه شود.
۳. پیشنهاد شد که معاونین آموزشی و پژوهشی در این کارگروه حضور داشته باشند.

✚ گزارش کمیته مالی

۱. ارائه گزارش کمیته با موارد زیر: ۱- حداقل ۲-۳ نفر را مشخص کنیم که وقت و مهارت جمع آوری کمک و هدایا داشته باشند.
 ۲. برای جایزه دکتر قریب کمک کننده ها مشخص شوند تا خانم دکتر المیر پیگیری نمایند و هم جایزه تامین شود و هم کمک به انجمن شود.
 ۳. پیگیری خانم دکتر المیر و خانم مظفری برای پرداختی اعضا
 ۴. اعضای هیات مدیره حد امکان مبلغی بپردازند (شماره کارت انجمن برای هیات مدیره ارسال شود)
- ✚ ادامه بحث سخنرانی های سال جاری:
- برنامه سه ماه تابستان طبق جدول مطرح شد:
- تیرماه: پرورش اخلاقی دانش آموزان و دانشجویان؛ سخنران دکتر محمود میرمحمدی
- مرداد: مسئولیت اجتماعی و اخلاق دانشگاهیان؛ سخنران دکتر سارا شریعتی
- شهریور: سرخط های اخلاق در میان اساتید دانشگاه؛ دکتر مرتضی مردی ها
- دکتر نصیری: دکتر مظاهری از شهید بهشتی را برای موضوع مرداد برای همراهی با خانم شریعتی مطرح کردند و همچنین آقای مستکین از یونسکو

- ✚ بحث درباره بیانیه جدید وزارت علوم درباره حداکثر دریافتی توسط مجلات
- قرار شد خانم دکتر المیر با توجه به بالا بودن هزینه ها نامه ای جهت اصلاح پیشنهاد وزارت تهیه کنند تا ارسال شود.
- ✚ جایزه استاد محمد قریب:
- برای جذب کمک کننده روی پزشکان و نهادهای آنان متمرکز شویم
- مثال دکتر نصیری که برای جایزه در انجمن فیزیک دو کمک کننده دائمی دارند: سازمان انرژی اتمی و موسسه فیزیک و ریاضی (IPM)

جلسه خرداد ماه ۱۴۰۰

دستور جلسه:

۱. گزارش طرح آموزش اخلاق دانشگاهی
۲. گزارش همایش اخلاق و فرهنگ شهرونی
۳. هیات امنا جایزه استاد محمد قریب

مصوبات جلسه:

✚ طرح اخلاق دانشگاهی

۱. قرار است روز سه شنبه ۱۸ خرداد جلسه ای با دکتر نصیری دکتر شکری و دکتر افصلیان در دانشگاه شهید بهشتی جهت ارائه

۱. منابع دریافتی برای همایش ۸۲,۵۰۰,۰۰۰ (۵۰ میلیون وزارت بهداشت، ۳۲,۵ میلیون شهرداری) که به غیر از ۸,۵ میلیون شهرداری باقی هزینه های حمایتی دریافت شده است.
۲. هزینه همایش ۵۲,۵۰۰,۰۰۰ بوده است که ۳۵ میلیون آن پرداخت شده است.

✚ گزارش مالی انجمن:

۱. هزینه ماهانه انجمن در سال گذشته ۵,۵۰۰,۰۰۰ بوده است.
 ۲. اجاره سال گذشته ۳۰,۰۰۰,۰۰۰ می باشد که اجاره دوماه را آقای دکتر معین جهت کمک به انجمن پرداخت کردند.
 ۳. به طور کلی انجمن ۴۲,۵۰۰,۰۰۰ بدهکار است (۱۷ میلیون برای همایش، ۲۵ میلیون اجاره سال گذشته انجمن)
- ✚ بررسی جذب منابع:

۱. مقرر شد نامه انجمن برای بسته های حمایتی آماده شود و در آن بخش اعضای هیات معرفی برای جذب افراد اقدام کنند.
۲. مقرر شد یک فراخوان برای جذب کمک کالی برای انجمن انجام شود دکتر بنی اسدی آمادگی خود را اعلام کردند.
۳. کمیته مالی انجمن تشکیل شود و برای جلسه بعدی هیات مدیره گزارش خود را تحویل دهند

جلسه اردیبهشت ماه ۱۴۰۰

دستور جلسه:

۱. گزارش طرح آموزش اخلاق دانشگاهی
۲. گزارش کمیته مالی
۳. ادامه بحث سخنرانی های سال جاری
۴. گزارش سایر کارگروه ها
۵. نهایی شدن شیوه نامه جایزه استاد محمد قریب
۶. بحث درباره بیانیه جدید وزارت علوم درباره حداکثر دریافتی توسط مجلات
۷. امور جاری و اخبار

مصوبات جلسه:

✚ گزارش طرح آموزش اخلاق دانشگاهی

- در ماه گذشته بررسی شد، برنامه و قرارداد برای دو کارشناس نوشته شده و شروع به کار کرده اند. سعی کردیم ۱۰ تا ۱۲ مدرک از دانشگاه های دیگر مطالعه تا برنامه کار را برای دانشگاه شهید بهشتی بنویسیم. روزهای زوج با کارشناسان ارتباط داریم اوضاع کرونا بهتر شود جلسه حضوری با آقای دکتر نصیری.
- دکتر نصیری عنوان کردند که ۱۹ دانشکده و ده پژوهشکده و تعدادی گروه پژوهشی دارند و خوب است جلسه حضوری بگذاریم.

گزارش همایش اخلاق و فرهنگ شهرنشینی به پیوست صورت جلسه آمده است.

نکاتی از گزارش:

۱. از زمستان ۹۸؛ تعداد ۹ جلسه شورای سیاستگذاری تشکیل شد.
۲. کمیته علمی نیز کار خود را از سال ۹۸ آغاز کرد.
۳. همایش در دوبخش آنلاین و آفلاین برگزار شد و به طور میانگین ۲۱۴۰ نفر از بخش اف لاین بازدید کرده و دانلود کرده اند.
۴. قرار هست تمامی سخنرانی های مدعوین و مقالات پذیرفته شده در همایش در ۶ جلد چاپ شوند
۵. مجموعه سخنرانی های مدعوین پیاده سازی شده و آماده ویراستاری است

گزارش کار با حضور مجری طرح و دو کارشناس طرح داشته باشیم

۲. بخش مطالعات بین المللی شروع به کار کرده اند آقای حشمتی استانداردهای اخلاق آموزش در پنج دانشگاه معتبر در دنیا از جمله دانشگاه استامبول و مک گیل و..... آغاز کردند، مسئول بخش اخلاق دانشگاهی دکتر اترک قرار بود از اوایل تابستان شروع کنند که به خاطر مشغله کاری انصراف دادند. از اعضای هیات مدیره درخواست که اگر فردی که در حوزه اخلاق دانشگاهی می شناسند معرفی کنند، آقای منصوری هم مطالعات مستقل دارند.
 ۳. کمیته راهبردی انجمن فعال شود.
 ۴. اخلاق جنسیت و اخلاق قومی و استفاده از فضای مجازی مهم در حوزه اخلاق مهم است.
 ۵. توصیه شده به مسئولیت اجتماعی دانشگاه توجه باشد.
- گزارش همایش اخلاق و فرهنگ شهرنشینی

فراخوان جایزه استاد دکتر محمد قریب

Prof. Mohammad Gharib Awards

مقدمه

انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری به عنوان موسسه ای غیردولتی و غیرانتفاعی با هدف اعتلای اخلاق در جامعه علمی بر آن شد که هر دو سال یک بار در روز درگذشت استاد فرزانه دکتر محمد قریب (یکم بهمن ماه)، طی مراسمی جوایزی با عنوان "جایزه استاد دکتر محمد قریب" به پیشگامان، صاحبزنان، خالقین اثر و پژوهشگران مطالعه اخلاق در حوزه های مختلف علمی و هنری اهدا نماید.

از این رو، دانشگاه ها، مراکز تحقیقاتی، فرهنگستان ها، انجمن های علمی، بنیادها و مؤسسات و تشکلهای علمی که مجوز از وزارتخانه های "علوم و تحقیقات و فناوری"، "بهداشت و درمان و آموزش پزشکی" و "فرهنگ و ارشاد اسلامی" دارند می توانند به طور رسمی نامزدهای مورد نظر خود را به دبیرخانه جایزه پیشنهاد دهند.

محورهای جایزه

۱. اخلاق در علوم پزشکی و زیستی
۲. اخلاق در علوم انسانی و اجتماعی
۳. اخلاق در علوم پایه
۴. اخلاق در علوم کشاورزی، منابع طبیعی و دامپزشکی
۵. اخلاق در علوم محیط زیست
۶. اخلاق در علوم فنی و مهندسی
۷. اخلاق در علوم معماری و هنر

قوانین و مقررات

افراد معرفی شده باید دارای مدرک دکترای تخصصی داشته باشند. دوره های "تخصص و فوق تخصص" مورد تأیید وزارت بهداشت؛ معادل با دوره "دکتری تخصصی" محسوب می شوند. در حوزه علوم معماری و هنر متقاضیان باید درجه کارشناسی ارشد به بالا داشته یا دارای درجه ۱ یا ۲ هنری باشند. افراد معرفی شده باید سابقه فعالیت های اثر گذار و با کیفیت در زمینه اخلاق در حوزه تخصصی و علمی خود باشند. افراد معرفی شده نباید سابقه هیچ نوع رفتار خلاف اخلاق در حیطه علمی و اجتماعی داشته و در کردار نیز به اخلاق مداری شهره باشند.

دانشگاه ها، فرهنگستان ها، مراکز تحقیقاتی، انجمن های علمی، بنیادها و مؤسسات و تشکلهای علمی می توانند افراد مورد نظر خود را از طریق سامانه جایزه استاد دکتر محمد قریب که در سایت انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری طراحی شده است معرفی نمایند یا مدارک را به دفتر دبیرخانه جایزه از طریق پست یا ایمیل ارسال کنند. مشخصات کامل افراد معرفی شده شامل نام، نام خانوادگی، کد ملی، شماره تماس، نشانی و عکس می باشد که باید به دبیرخانه ارایه شود (فرم شماره - ۱)، همچنین لازم است سوابق علمی و فعالیت در حوزه اخلاق افراد معرفی شده (فرم شماره ۲) ضمیمه مشخصات فردی به دبیرخانه ارسال گردد.

در تنظیم رزومه افراد معرفی شده تالیفات، پژوهش ها، آثار هنری و به طور کلی فعالیت های آنها در حوزه اخلاق مورد توجه قرار گیرد زیرا این موارد ملاک امتیاز دهی است.

برای بررسی آثار هنری ارائه مستندات قابل قبول اثر هنری شامل: تصویر با کیفیت و دقیق آثار و گواهی الزامی است. نامزدان پیشنهادی باید تمامی شرایط قید شده در اساسنامه برای نامزدها را داشته باشند، در غیراینصورت پیش از ارائه به شورای علمی از فهرست شرکت کنندگان حذف می شوند. صحت اطلاعات بارگذاری شده در سامانه مورد تاکید است و چنانچه در هر مرحله ای از بررسی سوابق مشخص شود نامزد مورد نظر اطلاعاتی را خلاف واقع اظهار کرده است، از فرایند انتخاب حذف می شود.

تقویم اجرایی

مهلت معرفی نامزدها: تا پایان شهریورماه ۱۴۰۰
دوری و اعلام افراد برگزیده: ۳۰ آذرماه ۱۴۰۰

اطلاعات دبیرخانه

نهادهای مورد نظر می توانند اطلاعات نامزدهای خود را از طرق زیر به دبیرخانه جایزه ارسال نمایند:

۱. پست الکترونیک: association.ethics@gmail.com
۲. سایت جایزه دکتر محمد قریب www.ethicsawards.ir
۳. نشانی دبیرخانه: میدان توحید، خیابان نصرت غربی، پلاک ۵۶، طبقه دوم، انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری

معرفی اعضای هیات امنا و دبیران بخش های مختلف جایزه استاد دکتر محمد قریب

اعضای هیات امنا

اعضای هیات امنای جایزه استاد دکتر محمد قریب عبارتند از:

- دکتر مصطفی معین (ریاست هیات امنا)
- اعضای هیات مدیره انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری
- دکتر غلامرضا خاتمی
- دکتر رضا فرجی دانا
- دکتر حسین قریب
- دکتر بهمن نامور مطلق

اعضای شورای علمی

دکتر مصطفی معین (رئیس شورای علمی)

دکتر تقی شامخی (دبیر علمی)

دکتر مریم مالمیر (دبیر اجرایی)

اعضای بخش علوم پزشکی و زیستی

دکتر مصطفی معین (دبیر بخش)

دکتر رضا شروین بدو

دکتر منصور بهرامی

دکتر عبدالرحمان رستمیان

دکتر احسان شمسی کوشکی

دکتر رضا ملک زاده

دکتر احمد علی نوربالا

اعضای بخش علوم انسانی و اجتماعی

دکتر هادی خانیکی (دبیر بخش)

دکتر شهین اعوانی

دکتر حسین سراج زاده

دکتر مقصود فراستخواه

دکتر اکرم قدیمی

دکتر محمود مهرمحمدی

اعضای بخش علوم پایه

دکتر سعد الله نصیری قیداری (دبیر بخش)

دکتر اعظم ایرجی زاد

دکتر سعید سمنانیان

دکتر علی فرازمند

دکتر فتح الله مضطر زاده

اعضای بخش علوم کشاورزی، منابع طبیعی و دامپزشکی

دکتر تقی شامخی (دبیر بخش)

دکتر حسن فرهودی

دکتر علیرضا کوچکی

دکتر عبدالمجید مهدوی دامغانی

دکتر محمدسعید نوری نائینی

اعضای بخش علوم محیط زیست

دکتر تقی شامخی (دبیر بخش)

مهندس محمد درویش

دکتر مظفر صرافی

دکتر هومان لیاقتی

دکتر مخدوم

دکتر مکنون

اعضای بخش علوم فنی و مهندسی

دکتر جعفر میلی منفرد (دبیر بخش)

دکتر جعفر توفیقی

دکتر علی خاکی صدیق

دکتر حسن ظهور

دکتر رضا فرجی دانا

اعضای بخش معماری و هنر

دکتر نامور مطلق (دبیر بخش)

دکتر غلامرضا اکرمی

مهندس سید محمد بهشتی

دکتر مجید سرسنگی

دکتر فاطمه کاتب

سخنرانی های انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری در فصل زمستان

نشست اردیبهشت ماه با عنوان :

" اخلاق، دین و چالش خرافات "

سخنران:

دکتر علی ملک پور



"دوگانه دین و خرافات" مفصل در رابطه با خرافات بحث کردم. خرافات در واقع انتصاب قدرت تدبیر و تاثیر به اشخاص، پیشوایان یا اشیا است. خرافات انواعی دارد خرافات دینی و خرافات غیر دینی. گرچه بیشتر خرافات ریشه در تفکرات دین های مختلف دارد، دین های ابتدایی یا حتی دین های بزرگ و رایج جهانی آمیخته ای از خرافات را با خودشان دارند. اما سوال این است که چه نسبتی بین اخلاق، دین و خرافات هست؟ قبل از همه باید توجه داشته باشیم وقتی که ما می گوییم در دین دو تا دیدگاه وجود دارد یکی از منظر جامعه شناسی و یکی دین. از منظر من این دوتا با هم فرق دارند. جامعه شناسان هر نوع اندیشه، رفتار و گفتاری را که معطوف به ارزش های مقدس ماوراء طبیعه و بحث رستگاری باشد را دین تلقی می کنند و زیاد تاکید ندارند چه چیزی درست است یا غلط، دین حق است یا ناحق، یا در دین جعل شده یا خرافات است این بحث ها چون جنبه ارزشی و قضایاتی دارد در مقوله ی داوری های علمی جا نمی گیرد. وقتی که دارک (Durke) و وبر (Weber) تعریف می کنند مثال هایشان عمدتا از جادو است در حالی که جادو و سحر از مبحث مقولات دینی می روند. اگر بخوای دین به معنای ادیان حق با ادیان الهی بحث کنیم در حالی که می بینیم جامعه شناسان همان رفتارها را در شمار رفتارهای دینی قرار می دهند و جادو و سحر هم یک طوری دین تلقی می شود. لاقول صور اخلاقی دینی این طور تلقی می شود. در هر حال ما می خواهیم این را بگوییم که بحث ما ترکیبی از هر دو است یعنی این ها جنبه هایی از جامعه شناسی، دین و خرافات را در بر می گیرند. مثال ها و مصداق هایی را باید از محور روانشناسی بگوییم که برای بیننده ها و مخاطبان ناآشنا تر باشد. بله همان طور که گفتیم دین از نظر جامعه شناسی، دین و خرافات قابل تفکیک نیستند و از منظر درون بینی است که ما می گوییم دین حق و دین اصیل از خرافات میراست در صورتی که می توانیم بگوییم یک مجموعه کتاب مقدس یا آورده هایی به صورت وحی داریم و یک چیزهایی را در طول تاریخ به نام مذهب تاریخی، دین تاریخی، مذهب جاری در زمان پیرایه هایی به آن اضافه شد و آن را می توانیم بگوییم تحت عنوان خرافات طبقه بندی کنیم. بر حسب تعریف خرافات این گونه است که ما از نظر درون دینی که دین را معیار قرار می دهیم و آن پدیده ها به این ترتیب، خرافات از دین متمایز می شود ولی معنای اولیه ی جامعه شناسی، دین و بقیه خرافات حقوق نسبی دارند و اصیل و غیراصیل مقوله ای نیست که جامعه شناسی ها به آن بپردازند. در حالت دوم چون که معیار متن معیار

نشست اردیبهشت ماه انجمن ایرانی اخلاق در علوم فناوری در سال ۱۴۰۰ با سخنرانی جناب آقای دکتر علی ملک پور، جامعه شناس و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی برگزار شد. گزیده ای از نشست در ادامه آرایه شده است:

در مورد خرافات بحث های متعددی از منظر جامعه شناسی و معارف اسلامی و اسلام شناسی وجود دارد. ما امروز می خواهیم نسبت بین دین، اخلاق و خرافات را بررسی کنیم. می دانیم که خرافات یک پدیده اجتماعی و نسبتا فراگیر است و در همه ی جوامع وجود دارد و در طول تاریخ هم هیچ فرهنگی نیست که عاری از خرافات باشد حتی در جوامع مدرن هم رگه هایی از خرافات وجود دارد. من در کتاب خودم با عنوان

حقایقی که به انسانی می دهد و جامعه را یک جامعه ی اخلاق مدار تربیت می کند. پس این نشان می دهد یک چنین هدفی یک راهبردی در دین دارد و تعریف شده است. اگر ما بر همین مبنا قضاوت کنیم اگر یک مثلی بخواهیم رسم کنیم به سه قسمت تقسیم کنیم. آن قسمت قاعده ش ایمان یا باور هست مرحله ی بالاتر مساحتش است که قسمت بالاتر کمتر می شود سه خط در فاصله های مساوی که بزینم آن قسمت پایین تر باور یا ایمان می شود ، قسمت وسط احکام می شود و آن قسمت بالایی که کمترین مساحت را دارد رأس آن مثلث اخلاق می شود، به عبارتی آن قاعده ی پهن مثلث می شود به سمت بالا می رود کمتر می شود. من این نظر را دارم که می توانیم از آن دین تفکیکی در بیابوریم، دین میخ واحد است که ما از خواستگاه ایمان به سمت اجرای احکام که یک درگاه است به سمت آن ها به سمت مقصد یا منزلگاه برویم. این رسالت دین یا ماموریت دین یا لاقول ادعای دین است، چه در اسلام چه در ادیان دیگر، حالا ما سعی می کنیم برحسب فرهنگ، مناسبات اجتماعی خودمان که با آن درگیر هستیم از اسلام مثال بزینم معنای این تفکیک ها چیست؟ ببینید خیلی ها خدا را باور دارند ائمه را باور دارند اگر از آن ها بپرسید می گویند من باور دارم، حالا به نسبت آن هایی که مسلمان هستند پس در این باور افراد زیادی جا می گیرند ولی همه مقید به اجرای احکام و عبادت ها نیستند باورهایی دارند ولی به آن احکام و مناسک عمل نمی کنند. دوباره گروهی که به آن احکام و مناسک عمل می کنند که مومن تلقی می شوند آن ها هم در مرحله اخلاق کمترین دوباره به همین نسبتی که می رویم بالا کم می شود، معمایش این است که تربیت اخلاقی که هدف دین است در حداقل خودش است یعنی شما مومنانی پیدا کنید که هم باور داشته باشند هم احکام و مناسک را انجام دهند و هم در عمل فردی با عمل اجتماعی خودشان جز در پی اخلاق مداری نباشند. این ها به نسبت کم می شوند من حالا می خواهم نکاتی را بگویم که آن اسم هایی که افراد برای خودشان باور دارند اما وقتی که به احکام می رسیم مناسک احکام مثل نماز یا روزه، قربانی کردن حج و عبادت های دیگر، این ها احکام و مناسک دینی هستند . در جامعه ما این تصویری که مردم از آن ها دارند اغلب اشتباه است بعد از این مرحله ی ایمان ، مرحله عبادت و احکام است . هر وقت سخن از عبادت و احکام می شود این ها می آیند کارهای اخلاقی با عمل صالح انجام می دهند .

خیلی مهم است شخصی روزه می گیرد ، نماز می خواند ، خودش را آدم کاردرست می داند و فکر می کند وارد بحث اخلاق شده، این در حالیست که متأسفانه هنوز وارد عمل صالح نشده است. بسیاری از مردم همین جا مشکل پیدا می کنند در واقع عبادت فاز اول است. فاز دوم که فاز تکرار

مثلا در اسلام و قرآن است و یا گفتار پیامبر و ائمه مکمل آن است به شرطی که از فیلترهای اعتبارسنجی توسط متخصصین عبور کند این دو قسمت اخیر یعنی احادیث و سیره معیار اصلی آن یعنی قرآن مطابق داشته باشد.

همان طوری که گفتیم خرافات در تعریف قائل شدن به قدرت و تاثیر بر نیروهایی است که مثلا آن نیروها می توانند خود پیشوایان دینی باشند یا خود اشیاء یا ارواح باشند و یا پدیده های ماوراطبیعی باشند که می توانند در سرنوشت انسان دخالت داشته باشند. نگاه این چنینی تلقی از منظر درون دینی با فلسفه ی محیطی و یگانگی مطلق قدرت خدا و سلطنت قدرت خدا سازگار نیست، بنابراین یک جور معارف کاذب و منافع شده در طول تاریخ مذهب اصلی یا دین اصلی اگر به تعبیر امروزی بگویم که خرافات یک آگاهی کاذب است . در تعریف ایدئولوژی یک نوع آگاهی کاذب است ولی خرافات هم یک جور ایدئولوژی قدیم بوده حالا در دنیای جدید ایدئولوژی ها خرافات جدید هستند یعنی به این شکل می توان طبقه بندی کرد در دنیای قدیم خرافات ایدئولوژی نظام های سیاسی، دینی و اجتماعی و اقتصادی بوده و برحسب کارکردها و خواصی که داشته دامن زده، پذیرفته شده و گسترش هم پیدا کرده است. معادل آن می توانیم بگوییم شاید ایدئولوژی ها خرافات دنیای جدید هستند در واقع اسم که افراد را اسیر خودشان می کنند و نوعی اصالت مطلق برایشان قائل هستند پیروانشان در واقع یک جور خرافات جدید از منظر درون بینی هست، خرافات طیفی از عقاید را در برمی گیرد که در حادترین حالت خودش از منظر درون بینی به کفر و شرک نزدیک می شود یعنی بعضی وقت ها ما می بینیم افراد برای اشیاء، اشخاص، ارواح و موجودات چنان تاثیرات قائل هستند که گاه آن را تا قدرت خدا پیش می برند و این مرزهای شرک و کفر نزدیک است. بنابراین خود خرافات هم یک امر واحد و با وزن واحد نیستند خرافات طیفی از عقایدی را در برمی گیرد که عرض کردم در حادترین شکلش به شرک نزدیک می شود و در خفیف ترین شکلش یک نوع سوءبرداشت از معارف دینی است. این دو را هم باید در نظر داشته باشیم اما نسبت دین و اخلاق را چطور می توانیم باور و تحلیل کنیم؟ این است که در واقع دین مزیتش به اخلاق این است در واقع دین آمده اخلاق انسان ها را ارتقاء بدهد (اخلاق اجتماعی و فردی را). اگر انسان ها به دین مدعی باشند در واقع دین است که می تواند در پرتو آموزه های مبتنی بر وحی و اصیل که پیروان آن اعتقاد دارند که جهان گیر باشد برای طی کردن مراحل تا ملاقات خدا، در واقع ادعای دین ها است به ویژه دین هایی که ادعای رستگاری دارند و به این شکل است که می توانیم بگوییم که اخلاق غایت آموزه های دینی است. نقل است که از پیامبر گرامی اسلام " إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ " یعنی من برانگیخته شدم برای ارتقا و احیای مکارم اخلاقی؛

درمان بیماری های اخلاقی ماست، منظور ناخالصی های وجدانی ما اگر این درمان نشود نشان می دهد که این خالص نیست. البته یک بعد قضیه این است یعنی یک بعد آن نظری است و یک بعد دیگر آن عینیت ها یا عوامل عینی است، ما نباید آن را از نظر دور داشته باشیم. پس ما می گوئیم در اسلام اخلاق یک چیز واحد نیست، مثلا ما بگوئیم که یکی نیکی به پدر و مادر می کند کارش اخلاقی است یا هرکس به مستمندان کمک می کند ما بگوئیم یک نظام اخلاقی اسلامی است. منظور معلم هایی که یک شبکه را بوجود می آورند، آن ها چه کسانی هستند؟ شغل آن ها چیست؟ ارزش انسانی و اخلاقی دامنه ی شمول حتی از جامعه مومنان هم فراتر است. شبکه یا نظام اخلاقی که در اسلام هست و قرآن شامل مولفه هایی است مثل عدل، تقوا، صبر، انفاق، احترام به والدین، حمایت از مستمندان و آن چیزی که به طور کلی مفهوم خیر و مفهوم عام عمل صالح را دارد، ببینید وقتی قرآن می گوید قسط و عدل را مشخص نکرده یعنی چه؟ معنایش این است که ارزش ها تطابق پذیرند یعنی در هر دوره ای قسط و عدلش فرق می کند. متاسفانه همه ی معارف علمی پیشرفت کردند ولی معارف دینی پیشرفت نکردند، هنوز هم یک سری می گویند قسط و عدل یعنی چه. مفاهیم کهنه و قدیمی در آن است، یک سری از علوم دینی و علوم اسلامی پیشرفت زیادی نکرد، متاسفانه در طی این قرون در حالی که علوم انسانی، علوم اجتماعی روش های جدیدی به کار گرفتند و به روز شدند ولی شما هنوز می بینید که اقلام دینی، بحث های دینی همچنان در بحث های ۵۰۰، ۶۰۰ و ۷۰۰ سال پیش دور می زنند در حالی که قسط و عدل و تقوا، انفاق این ها همه تطابق پذیرند و می توانند به روز بشوند. این وظیفه ی دانشمندان این رشته است. مثلا مسئله عدالت زیستی ۵۰۰ سال پیش مطرح نبود و ۵۰۰ سال پیش عدالت یک بعد دامداری و کشاورزی داشت، اما امروزه حقوق زنان، حقوق بشر هست، امروز حق حاکمیت ملی است که مصداق عدالت و دموکراسی است، امروز روز جهانی عدالت و آزادی مطبوعات است که مصداق قسط و مصداق عدل است، این موارد است که باید بازآفرینی و باز شکافی شود، ولی متاسفانه به هرکسی برسی چند تا کلیشه وجود دارد که این ها رفتارهای خوب دینی است، و باعث می شود آن نظام اخلاقی را ما درک نکنیم. من معتقدم نظام را باید درک کنیم این نظام قابلیت تطابق با عصر و زمان را دارد. بحثی که هست این است که در طول قرن ۱۴ تا ۱۵ گذشته درباره اخلاق بحث زیاد شده، از همان قرون اول و دوم هم بحث های اخلاقی زیادی در عرفا و مفسران بود که بعدها هم رسید به ترجمه آثار، اخلاق از منظر ارسطو، اخلاق از منظر افلاطون و... این ها ترجمه شدند و ترکیبی از اندیشه های یونانی، لایه های از آموزه های اسلامی تحت عنوان فلسفه های اخلاق اسلامی جا افتاد در حالی که بخش اعظمش فلسفه های یونانی بود بعدها در کار

و تمرین خلقیات نیک در عبادت ها است که تازه فرد می آموزد. فاز سوم انجام دادن عمل صالح است.

عبادت ها خودشان به تنهایی عمل صالح تلقی نمی شوند و آن ها فقط تجربه هستند. زمانی آن ها اخلاقی تلقی می شود که منجر به عمل صالحی باشد، چون که در قرآن هم می گوید که عبادت باید ما را از فحشا و کار بد باز دارد "إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ" یعنی آن الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ این نماز باید ما را از انجام آن باز دارد.

آن چیزی که دین هست و ایمان واقعی است شرطش این است که به فاز سوم راه پیدا کند من این جا وجه تفاوت و تمایز خرافات و اخلاق را می بینم یعنی نسبت آن ها با دین، دین در مراحل یا پروسه سه گانه ی (باور ۲) عمل به احکام ۳) عمل به اجتماعی به اصطلاح صالحانه و مصلحانه پروسه اش تکمیل می شود و خرافات چنین مراحل را طی نمی کند چون به لحاظ نظری و به اصطلاح در باورها گفتیم حتی در جهانی به شرک نزدیک می شود و از آن طرف در عبادت ها به اصطلاح متمسک به اشیا و افراد و اشخاص و ارواح محال است که در فاز سوم به عمل صالح و عمل اخلاقی برسد.

ما دستگاه نظری را ترسیم می کنیم می خواهیم ببینیم که جایگاه خرافات در مجموعه اسلام کجاست؟ یا مجموعه دین کجاست؟ این را به نحوی ببینیم که خرافات مربوط به اخلاق نمی شود، چرا؟

ما می گوئیم که اخلاق در کشاکش دین و خرافات قرار دارد. یعنی اگر پروسه درست و سریع طی شود باید منجر به اخلاق شود، اگر نشود آن چیزی که در جامعه می بینیم غلبه کمی و کیفی خرافات است.

مجموعه دین آمیزه هایی از خرافات و دین است و من فکر می کنم آن وجه خرافاتش بیشتر است چرا؟ به آن دلیل که اولاً، با توجه به مستندات پژوهشی که وجود داد و دوما، برداشتی که مردم از دین دارند، متعلق به قرن گذشته است که با شرایط جامعه کنونی تطبیق ندارد. این دلیلی است برای این پرسش که چرا مکارم اخلاقی ضعیف است؟ حتی همین الان بدون همه پژوهش ها با تجربه زیسته خود می بینیم که اخلاقیات در جامعه آسیب دیده همانند راستگویی، درست کاری، پاک دامنی، تعهد به قراردادهای نظم همه ی این ها به شکلی آسیب دیده اند و جامعه ما شرف آسیب های شدید است. عقیده من این است که این باورهای دینی که در ذهن من و مردم است باید منجر به فاز سوم شود. من می گویم اخلاق، چرا اخلاقی ضعیف است؟ برای این که شما این باورهایی که داری کارآمد نیست. به عنوان مثال الان می گویند واکسن کرونا مثلا درمان می کند حالا تصور کنید یک عده در درمان، واکسن بزنند و خوب هم نشوند بررسی می کنند و می گویند این واکسن خالص نبوده و گرنه باید جلوی کرونا را می گرفت تصور کن هم چنین چیزی باشد یا هر داروی دیگری اگر خالص نباشد اثربخشی ندارد، دین هم در واقع یک داروی

قبلی نکاتی را از کتاب توسعه تضاد یادداشت کردم، در آن فرامرز رفیع پور می گوید: که اعتقاد به روحانیت باور به آن از بعد اخلاقی و پیشگاهی سر مسائل دینی در سال ۵۶، ۳۱ درصد بود، یعنی ۳۱ درصد مردم به روحانیت اعتماد نسبی داشتند. سال ۶۵ یعنی اوایل انقلاب به ۸۶ درصد رسید ۸۶ درصد مردم به روحانیت اعتماد داشتند، در سال یعنی ۷۱ دقیقاً ۶ سال بعدش این رقم ۳۲ درصد شد که این رقم به رقم سال ۵۶ برگشت اعتقاد به دین، باور به دین چطور بود سال ۵۶، ۲۲ درصد بود سال ۶۵ ۸۹ درصد یعنی ۹۰ درصد مردم اعتقادات دینی از خفیف تا غلیظ داشتند و باورشان خیلی بالا بود سال ۷۱، ۴۳ درصد بود یعنی نصف شد خیلی مهم است گرایش مردم از دین و خدا به سوی پول رفته است. شاخص اخلاقی خیلی مهم است دما سنج اخلاق مردم جامعه است، ببینید گرایش مردم از دین و خدا به سمت پول سال ۵۶، ۱۸ درصد بود. چه چیزی تغییر کرده است؟ دین تغییر نکرد تازه حکومت هم دینی شد علی القاعده باز باور دینی بیشتر می شد، اما باور دینی بعد معرفتی و معرفت شناسانه است واقعیت های اجتماعی یعنی تنزل رفاهی اجتماعی، افزایش فقر و آن دیگر حکومت دینی و غیردینی نمی شناسد وقتی که شاخص ها واقعیت های ذهنی تنزل پیدا می کند اخلاق را به سوی تخریب می رود بنابراین شاخص ها این را نشان می دهد و گر نه آن ۸۹ درصد و بقیه این ها که با ما بود همان سیر صعودش را بالا می برد تا آن موقع شاخص های اقتصادی تغییر می کردند بد نبود به علاوه اینکه باورها یعنی بعد معرفتی و بعد نظری هم قوی بود، اما اگر بعد نظری هم ثابت می ماند اوضاع قبل از این که خراب شود آن باورها آسیب می بیند چون باورها از واقعیت نیستند. نکته ای که ما می بینیم تنزل اعتماد و اعتقادات را داریم. حالا شاخص های زیادی در آن کتاب و بقیه کتاب ها شده که من خلاصه اش را گفتم ولی تقریباً همه این روند را نشان می دهند. حالا مثال طراحی همایش ملی تحت کشور همه ی استان ها هم که آمده انجام باشد هم شاخص ها ی این روال را دارد یعنی تنزل نسبی. پس بنابراین تاکید معرفت شناسانه و ذهنی بر اخلاق همان قدر که مسئله ساز است، که تلقی خرافات با انکار ذهنی و باور دارد به عبارت دیگر خرافات صرفاً یک سوء تفاهم نیست حالا ما می خواهیم بگوییم هم اخلاق و هم خرافات یک بعد معرفت شناسانه دارند و یک بعد اجتماعی و عینی. اخلاق را مثال زدیم و خرافات را مثال می زنیم. خرافات محصول مناسبات ذهنی منصفانه است، چرا خرافات پایدار ماند؟ چون زمینه های آن و کارکردهای آن پایدار بود مثل حق نابرابری و ستمگری وقتی در جامعه همان شاخص هایی که گفتیم کم شود، از آن طرف اخلاق کم می شود و خرافات زیاد می شود چون مردم می بینند پناهی ندارند ملجا و مئمل ندارند در ذهنشان عواملی تصور می کنند و به تسکین دردهایشان باورمند می شوند، بنابراین به این شکل خرافات هم

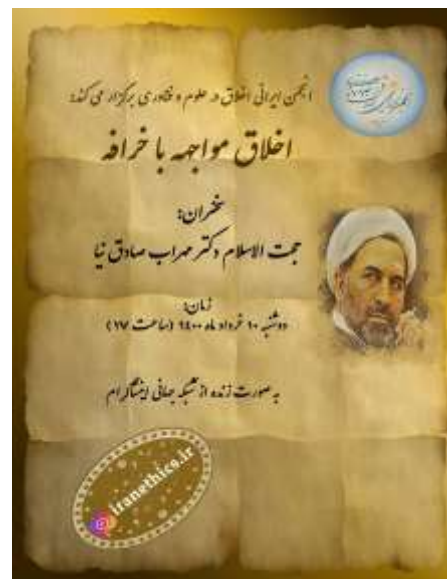
دانشمندانی مثل فارابی، ابن سینا، غزالی، ابوعلی مسکادی، ابولحسن عامری و بعد ابوالسعید ابوالخیر، مولانا، حافظ و... آمدند و بحث های اخلاق را در ابعاد فلسفی، دینی و عرفانی توسعه دادند که یک پیشینه ی برجسته ای در اسلام دارد. مسئله این است که دنیای قدیم دنیای فلسفه بود کلاً جهان قدیم سیره ی فلسفه بوده بنابراین اخلاق را هم بیش از این فلسفی کردند و این میراث تا امروز هم آمده الان هم بسیاری از افرادی که معارف اسلامی کار می کنند راجع به اخلاق بیش از حد فلسفی بحث می کنند، در حالی که یک بعد نظری و معرفت شناسانه در اخلاق است بعد دیگر باید اخلاق را به مسائل اجتماعی خودش ارجاع بدهند و یک چیزی بود که فیلسوفان قدیم نمی دیدند به آن ها چقدر وارد است در آن دوره تطبیق نگاه فلسفی بر مقولات تجربی رسم نبود، این روش علمی جدید است که ما با تجربه به سوی واقعیت برویم و واقعیت ها را شناسایی، مطالعه و طبقه بندی کنیم. امروز همان بقایای بحث فلسفه درباره اخلاق هنوز مطرح است و بسیار اخلاق را استدلالی بحث می کنند. اگر ما این کارها را بکنیم این باورها را داشته باشیم این ها می شود، به عنوان مثال عمل اخلاقی، در حالی که اخلاق یک پدیده اجتماعی است بعد نظری و معرفت شناسی غنی دارد ولی بعد اجتماعی و واقعیت گرایانه آن ضعیف است. در فرهنگ ما به عبارتی در بستر مناسبات اجتماعی رشد می کند جامعه ای که در آن نابرابری باشد، فقر باشد، به ویژه جامعه ای که شاخص های توسعه در وضعیت های ناظر باشند، جامعه ای که نابرابری های جنسیتی در آن وجود دارد، محیط زیست آن آلوده باشد، اشتغال کم باشد خود به خود اخلاق تعطیل است. بنابراین کتاب نوشتن درباره ی اخلاق مشکل اخلاق را حل نمی کند و ما را به سوی مکارم اخلاقی نمی برد، ما باید بستر اجتماعی را هم در نظر داشته باشیم و به آن فکر کنیم و بپردازیم، این نکته ای است که نقطه ضعف مباحث اخلاقی در جامعه ی ماست. هرکس تربیونی دارد در کلاس، دانشگاه، مسجد راجع به اخلاق همه صحبت می کنند، اندرز می کنند، ولی آن ها در نظر نمی گیرند جامعه ی فقیر نمی تواند جامعه ی اخلاقی مندی باشد، پس اول فکر فقر باشیم، فکر اصلاح نابرابری های اجتماعی باشیم و این ها را سعی کنیم بهبود بدهیم شاخص های رفاه را ترمیم کنیم جامعه ای که به سطحی از رفاه برسد خود به خود میل به مکارم اخلاقی هم در آن بیشتر می شود. این نکته ای که باید در نظر داشته باشیم و از آن غافل نشویم ولی تا بحال بی شرط نبوده حتی آن هایی که برای اخلاق مبارزه می کنند تلاش می کنند اغلب از آن یاد می برند که اخلاق یک پدیده ی صرفاً معرفت شناسانه نیست، ببینید من الان یک نمونه برای شما بگویم که دین ها چگونه بر اخلاق تاثیر می گذارند، ببینید پژوهشی که در سال ۵۶ و یک پژوهش در سال ۷۱ و یک پژوهش هم در دهه ی ۹۰ شده است که به طرح پیمایش ملی معروف است، از آن سه پژوهش

رشد نمی‌کند پس هم اخلاق بعد نظری و عینی دارند و همین طور خرافات؛ بعد نظری خرافات باور به نیروهایی است که به موازات خدا مطرح می‌شوند، ممکن است اشخاص، پیشوایان، اشیاء، ارواح، اجنه و هرچیزی باشند که آدم‌ها فکر می‌کنند در سرنوشتشان موثرند و می‌توانند سهمیم باشند این بعد معرفتی‌اش است. بعد عینی‌اش شاخص‌های چون رفاه، معیشت، اشتغال و توسعه تنزل پیدا کند با رشد خرافات رابطه معکوس دارد یعنی آن‌ها که کم می‌شوند خرافات زیاد می‌شود، در جامعه به این شکل خرافات رشد می‌کند. معنا و برداشت که از این ایده داریم چیست؟ مبارزه با خرافات، کتاب نوشتن در رابطه با خرافات نیست . مبارزه با خرافات یک مبارزه ملی و مدنی است. یعنی بعد نظری‌اش نمی‌گذارد فکری و ملی باشد ولی بعد مدنی‌اش این است که ما باید برای رفاه جامعه تلاش کنیم برای بهبود اوضاع مردم و معیشت تلاش کنیم. و این که نباید در نظر بگیریم که چه می‌شود با پرداختن به مقوله‌ها از خرافات نجات پیدا کنیم و به اخلاق بگردیم. منشا ارزش‌های اخلاقی از منظر دینی خدا است و می‌گویند ارزش‌ها مثل عدالت، برابری و نوع دوستی یک امر فطری است ولی از لحاظ جامعه شناختی منشا اخلاق جامعه است، ما باید برای مردم و برای جامعه‌ی خودمان اخلاق اجتماعی تعریف کنیم یعنی شاخص‌هایی را در نظر بگیریم و اخلاق را در بستر اجتماعی مطالعه کنیم و ارزش‌هایی را که موجب خیر و مصلحت و صلاح عموم است به آن پایبند باشیم و در آن جا قضاوت دینی نکنیم. کار خوب، کار خیر، عمل صالح را ارج دهیم و قدر بدانیم در آن جا

قضاوت دینی نکنیم. بگوییم اگر کار خوب توسط مومن انجام می‌شود، کار خوب توسط غیرمومن نیز انجام می‌شود و هدف اول در اجتماع ارزش را در بردارد. در نزد خدا است که مومنان عفو یا پاداش مضاعفی می‌گیرند، ما نباید این قضاوت‌های تنگ نظرانه را در نظر بگیریم، برای هرکسی که کار نیک انجام می‌دهد و برای توسعه‌ی اجتماعی نشان می‌دهد برایش ارزش اخلاقی قائل می‌شویم. آن اخلاق مدنی باید توسعه پیدا بکند و به این شکل که آن را سازمان بدهیم و نظام اخلاقی را درک کنیم تا بتوانیم فعالیت نظری یا معرفتی را افزایش دهیم. همین مباحثات جدال‌های کارشناسانه و کار فکری است. از آن سو مبارزه مدنی منظم برای بست وجود دارد. توسعه و مکارم اخلاقی از جانب هر گروه و حزبی که باشد ما نباید مومن و غیر مومن بپرسیم، باید همه را به اخلاقیات مدنی دعوت کنیم. برای بهبود مردم، آزادی مردم، برای برابری، اخلاق مداری، عمل صالح که همه ما باید مشارکت داشته باشیم و این باید شعار باشد، اخلاق را در بستر عمل اجتماعی رشد دهیم تا بتوانیم به جایی برسیم. قضاوت‌های ارزشی، دینی را برای آخرت داریم که در جامعه اخلاقی این‌گونه می‌تواند با کارهای منطقی رشد پیدا کند و محقق شود. در این دستگاه معرفتی جایگاه خرافات و اخلاق را می‌گوییم و تشابهاتی که از بعد نظری و عملی دارند از نظر تحقق و رشد عقولی که در دنیا می‌توانند داشته باشند، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در اخلاق، هم در بعد نظری و هم در واقعیت‌های اجتماعی در بیشان دارند..

تجربی، معیار عقل را کنار می‌گذارد و آن‌ها را حمایت نمی‌کند و صرفاً به شواهد تجربی می‌پردازد یعنی اگر شما ده‌ها دلیل برای یک پدیده‌ای بیاورید که عقلاً امکان‌پذیر است. مثل کاری که مسیحیان در مورد تثلیث می‌کنند ولی آقای انگریسون از آن جایی که با این پدیده‌ها یا یافته‌های تجربی سر‌ناسازگاری دارد، از نگاه ایشان این عمل یک عمل خرافه می‌باشد یا مثلاً ما در اسلام بسیاری از باور داشته‌هایمان در مورد خدا صرفاً خواستگاه عقلی دارد از این نظر که عقل امکان ابطال آن را ندارد مثلاً معاد سبحانه، ولی از این نظر که با شواهد تجربی ناسازگار است. آقای انگریسون این را خرافه می‌داند از نگاه ایشان این خرافه است. اما متدین‌ها به جز آن عقل و تجربه معیار سومی هم دارند که آن معیار سوم دین است و مراد آن‌ها از دین البته خیلی چالش‌برانگیز است ولی ظاهراً در محتویات دینی می‌گویند خرافه چیزی است که عقل و تجربه یا محتویات متون مقدس آن را برنناید و با آن سازگار باشد یعنی مقداری دامنه غیر خرافه وسیع‌تر و دامنه خرافه محدودتر می‌شود. در تعریف دیندارها این همان جایی است که تفاوت وجود درد. یعنی اگر من یک آدم دیندار باشم قاعدتاً یک سری چیزها را خرافه نمی‌دانم چون با نفوس دینی من سازگار است. به طور مثال فرض کنیم در نفوس دینی ما بشود وجود جن را پذیرفت، البته ممکن است من اصلاً نپذیریم ولی به عنوان یک مرد دیندار قاعدتاً می‌گویم، این خرافه نیست یا ممکن است کسی می‌پاراش عقل باشد و بگوید این خرافه نیست چون عقل هیچ دلیلی برای رد آن ندارد ولی کسی که در دنیا، پارادایم تجربی است و در آن زیست می‌کند و می‌گوید آن خرافه است و نباید آن را پذیرفت، به هر حال معیارها متفاوت است و به همین دلیل رسیدن به یک تعریفی که همه را راضی کند در مورد خرافه کار سختی است و نمی‌شود به آن رسید، البته این آن قدر مهم است که گاهی جنگ‌های خونی بخاطر این موضوع اتفاق می‌افتد، به هر حال تعریف خرافه گاهی اوقات آن قدر سخت است که بخاطر آن جنگ‌های خونی نیز اتفاق می‌افتد، بر سر این که چه کسی درست و نادرست می‌گوید. معمولاً خرافه را به دو گروه: (۱) خرافه هستی‌شناسانه (۲) خرافه رفتاری بخش بندی می‌کنند. خرافه هستی‌شناسانه به معنای باور به وجود چیزی یا باور به عدم وجود چیزی بر جهان هستی است، که حالا علم یا عقل یا دین با آن مخالف است یا آن را بر نمی‌تابد، در این صورت به آن خرافه هستی‌شناسانه یا خرافه معطوف به باور می‌توانیم بگوییم. این که فکر کنیم که چیزی است در جهان هستی مثلاً ماهی ده سری در فلان جا یا نهنگ هفت سری در اقیانوس فلان جا یا جن یا فرشته یا هر چیزی که علم یا عقل یا تجربه که با آن سازگاری ندارد و به آن خرافه هستی‌شناسانه می‌گوییم. اما یک سری کارها هستند مثلاً آب ریختن دم غروب روی زمین که در بعضی از مناطق ایران داریم یا این که اگر آدم‌ها چراغ‌های مسجد را

نشست خرداد ماه با عنوان: " اخلاق مواجه با خرافه " سخنران: دکتر مهراب صادق نیا



نشست خرداد ماه انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری در سال ۱۴۰۰ با سخنرانی حجت الاسلام دکتر مهراب صادق نیا برگزار شد. دکتر صادق نیا استادیار ادیان گروه ابراهیمی، دانشگاه ادیان و مذاهب گزیده‌ای از نشست در ادامه ارائه شده است:

موضوع بحث ما درباره مواجهه اخلاقی با مسئله خرافه است. برای این بحث با اجازه شما دو تا نکته می‌گویم که بیشتر درباره تعریف ماهیت خرافه است و نگاهی حدسی شناسانه به خرافه و بعد درباره زمینه‌های پیدایش خرافه و بعد از آن به این سوال اصلی جواب می‌دهم، که مواجهه مقابله با خرافه در هفت مورد یادداشت کردم و در خدمت دوستان هستم و ارائه می‌دهم. من هم دوست دارم درباره جزئیات این بحث بیشتر صحبت کنم. اگر اجازه بدهید از همان نقطه نخست، از تعریف خرافه یا ماهیت خرافه صحبت کنیم. از آن جایی که معمولاً باز شناسی خرافه یا تعریف یک چیزی به خرافه یا غیر خرافه معمولاً بر عهده تماشاچیان است و به همین دلیل تعریف خرافه خیلی کار سختی است و به این معنا که آدم‌های بازیگر و کنشگر هرگز نمی‌توانند بپذیرند کاری که دارند آن را انجام می‌دهند، خرافه است. آقای انگریسون (Ingreson) می‌گوید، اعتقاد به پدیده‌هایی که شواهد

مثلا در کشور های صنعتی نموده‌ها یا نمادهای خرافه را آن جا بسیار مشاهده کرده ام، لذا دلیلی وجود ندارد که ما بگوییم خرافه مخصوص جوامع سنتی است و در جوامع دیگر وجود ندارد و هیچ دلیلی وجود ندارد که بگوییم که خرافه مخصوص آقایان است و در خانم‌ها وجود ندارد یا مثلا مخصوص بی سوادهاست و در با سوادها وجود ندارد یا مخصوص جوامع فقیر است و در جوامع پولدار وجود ندارد، خرافه ماهیت سیاسی دارد و شیوع آن در همه گروه‌ها و طبقات اجتماعی وجود دارد و واقعا دلیلی وجود ندارد که بگوییم در دیندارها خرافه زیاد و در بی‌دین‌ها کمتر است، مطالعه عمیقی هم در این زمینه نشده است. چند مورد در ایران مطالعاتی در این زمینه شده بود، بنده همه آن مطالعات را بررسی نموده ام یا بیشتر آن‌ها را بررسی و مشاهده کرده‌ام. این بحث در جامعه ایران نه جنسیت، نه سن، نه نوع زندگی شهروندی در آن ارتباط ندارد، لذا گستره خیلی زیادی دارد به این نتیجه می‌رسیم که خرافه بسته به تعریفی که ما به عنوان ماهیت فیزیکی که از خرافه داریم، دامنه خیلی وسیعی دارد و شامل گروه‌های مختلف جامعه می‌شود، این هم نکته ای در مورد زمینه پیدایش خرافه بود.

اما مسئله بعدی در مورد چالش های اخلاقی مواجه؛ با توجه به تعریف که ما از خرافه کردیم و با توجه به ماهیت خرافه، عقیده ای که بین ما شایع است، گویا پذیرفته شده است. یک حقیقت همه پذیر نسبی برای این که خرافه در مقابل علم یا عقل یا حتی دین باشد که به آن بدعت می‌گویند. یک امر بسیار مضمومی است، به قول جامعه شناسان نوعی کج روی یا نوعی انحراف است، به همین دلیل مسئولیت نسبت به چهره های علمی، آدم‌های علمی اهل مطالعه دارند. برای مقابله با خرافه به زعم ایشان باید تلاش کرد، خرافه را از بین برد و جوامع مختلف را از خرافه رها کرد، گویا در این مبارزه امری اخلاقی تصور شده و باور عمومی این است که اگر ما بتوانیم جامعه را از خرافه رها کنیم و این کار را انجام ندهیم، گرفتار یک عمل غیر اخلاقی شدیم و باید تلاش کنیم آن را درست کنیم، آن قدر رفتار در نفوس دینی ما داریم که مثلا بدعت‌ها ظاهر شوند "فَعَلَى الْعَالَمِ أَنْ يُظْهَرَ عِلْمُهُ" بر عالم واجب است که علمش را اظهار کند و با آن خرافه‌ها مواجه کند. ولی روشن است مراد از این خرافه که روایت آمده، بدعت‌هایی که ریشه در نفوس دینی ندارد و ما در بدعت‌هایی که با عقل ناسازگارند نیستند و چیزهایی که با نفوس دینی ناسازگار هستند و به ظاهر این باور بین همه پذیرفته شده است. ما فکر می‌کنیم که لازم است با اخلاق، با خرافه مبارزه کنیم. دقت کنید من درباره لازم یا غیر لازم بودن مواجه با خرافه از زوایای دیگر سخن نمی‌گویم، من سختم معطوف به رویکرد اخلاقی است. در این مسئله می‌خواهیم بگوییم که این عمل اخلاقی است و کاری به جنبه های دیگر نداریم، شاید از زوایای دیگر بشود از این ایده دفاع کرد، اما

روشن کنند می‌گوییم بخت آن‌ها (دختر خانم‌ها) باز می‌شود یا اموری از این دست که بین دو عمل نسبتی برقرار می‌کنند و به آن‌ها خرافه در ضمیمه رفتار می‌گویند. نکته اول من که بیشتر معطوف به ماهیت خرافه بود، تعریف خرافه و ماهیت آن است.

پرسش: شناخت دوباره خرافه هستی‌شناسانه و باور به وجود برخی چیزها می‌تواند مصداق خرافه باشد و یکی باور به اتفاق‌های که ممکن است در زندگی‌ها و رفتار ما وجود داشته باشد، به نظر می‌رسد که جناب دکتر شما دو نوع خرافه را از هم متمایز کردید. حالا آن چیزی که به بحث ما ارتباط دارد من احساس کردم شما در دو جا از عقل استفاده کردید. گاهی می‌گفتید که عقل آن را محال نداند، گاهی هم به نظر می‌آمد که به طرف عقل اثباتی می‌روید، برای این که منجر به تناقض نشود گاهی اوقات هم عقل حداقلی را اراده می‌کردید. اگر عقل را حداقل بگیریم آن وقت هم وجود ماهی هفت سر در ته اقیانوس آرام هم نا ممکن نیست یعنی فقط تناقض بیرون می‌ماند. هر ادعای گزافی که مستلزم تناقض نباشد، با این تعریف شما وارد مجموعه غیر خرافه می‌شود، می‌خواستیم در مورد ضابطه عقلی دقیق‌تر بفرمایید؟

قطعا همین عقل به معنای اثباتی است یعنی عقلی است که بتواند ثابت کند. به هر حال برخی از الگوی دینداران برخی از آموزهای دینی تنها با آن عقل کمینه سازگارند با این که عقل منافاتی با آن نداشته باشد، لذا آن جوری است که پاره ای از امور را می‌خواهند از دایره خرافه خارج کنند و مثل همین موضع رو دارند ولی در واقع قاعده این همان عقل است که به معنای عقل بیشینه یا عقل اثباتی می‌باشد. اگر عقل اثباتی را در نظر بگیریم آن وقت ما جرات نمی‌کنیم بالاتر برویم مثلا وجود فرشتگان با عقل اثباتی قابل اثبات است وجودشان به نظر شما در پارادایم یک آدم فلسفی نه طبق آن خرافه می‌شود، اما در پارادایم یک آدم دیندار که نفوس وجود دارد که خرافه نیست یعنی در نفوس دینی می‌گویند فرشته وجود دارد، لذا این خرافه نیست. ما یک گام فراتر برداریم و اصل خود آن دین را مورد سوال قرار دهیم و آن جا بحث کنیم. بعضی خرافه از نظر برون دینی و درون دینی درست است، بله همین طور می‌باشد. اما به زمینه های پیدایش خرافه بپردازیم. بسیاری از جامعه شناسان معتقدند که محال است آدم‌ها به خودی خود مبدا یا مبتکر خرافه باشند و معتقدند که خرافه‌ها پیوند عمیقی با زیست اجتماعی آدم‌ها دارند یعنی از آن وقتی که جوامع شکل گرفت، مفهومی به نام خرافه هم پدید آمد این را دورکیم در ضرر بنیادی حیات دینی خود بیان داشته و دیگران هم می‌گویند نسبت خیلی معناداری بین جامعه، طبقه، گروه و جهان زیست آدم‌ها و ماهیت خرافه‌ها وجود دارد. لذا در برخی سیزده نوشته نمی‌شود و ۱۲+۱ روی پلاک‌ها می‌نویسند. چیزهای که از نظر من خرافه معنا شده، مشاهده کردم که وجود دارد یا

است ما را به کنش‌های غیراخلاقی هم فرا بخواند و جنگ و ستیز و کشتار وادار کند مانند داعش و طالبان. همه ما وقتی به هم شلیک می‌کنیم لفظ الله اکبر را به کار می‌بریم یعنی این الله که اکبر است بالاخره این به چه صورت است که هم گلوله یک داعشی هم گلوله یک طالبانی هم گلوله من شیعه را حمایت می‌کند، این‌ها به هر حال نشان می‌دهد که کار ساده‌ای نیست به مبارزه خرافه بپردازیم. چالش‌های اخلاقی ما همین است ما سنجشی نداریم، وارد شدن به این عرصه باعث تحریک عواطف و حساسیت‌ها می‌شود. یک نکته‌ای را عرض کنم، شما در جهان هستی کمتر جنگی را سراغ دارید که بر سر یک نظریه علمی اتفاق بیفتد مثلاً شما مشاهده کرده‌اید که جنگی در کشوری و منطقه‌ای پدید بیاید بر سر این که مثلاً این شخص نظریه علمی این گونه‌ای دارد. آقای مارکس این را گفته یا آن را گفته است، مناقشه‌ای بر سر آن نیست، اما وقتی نظریه علمی تبدیل به ایدئولوژی می‌شود، آن ایدئولوژی هم با خرافه هم ماهیت می‌شود. به گفته من آن وقت است که این گفته در بسته می‌شود. ممکن است یک مارکسیست می‌تواند جهانی را به تباهی بکشاند برای این که می‌گویند، ما خوبیم یا مثلاً یک گرایش دیگر که دوباره تبدیل شده به یک ایدئولوژی ممکن است جهانی را به تباهی بکشاند، برای این که بگوید ما خوبیم، لذا کار دشواری است یعنی این که ما اگر قرار بود با یک نظریه علمی ستیزه کنیم مشکلی نداشتیم، ولی خرافه به دلیل درگیری با عواطف و احساسات و همان طوری که عرض کردم شبیه ایدئولوژی است. شما اگر بخواهید با یک خرافه مبارزه کنید، قاعدتاً کار خیلی سختی است و ممکن است کنش‌های غیراخلاقی زیادی را به دنبال داشته باشد، این چالش اول است که اسم آن را چالش سنجش خرافه یا چالش عدم تعیین سنجش خرافه می‌نامیم. ما نمی‌توانیم خرافه را مشخص کنیم چون بتوانیم در مسئله منطقی ذهنی با هم، هم عقیده شویم. اما در مسئله منطق بیرونی این امکان برای ما وجود ندارد.

چالش دوم، چالش کارکرد است که بیشتر از منظر عملکردگرایی چالش کارکردی می‌گویند. مسائل اجتماعی تا وقتی که در جامعه کارکرد دارند هستند، وقتی که کارکردشان را از دست بدهند، به صورت طبیعی از بین می‌روند یعنی پدیده‌ای که کارکردی ندارد، اگر ده‌ها پلیس یا صدها نیروی امنیتی هم باشد نمی‌تواند آن را نگهداری کند، چون کارکردی ندارد به صورت طبیعی از بین می‌رود و پدیده‌ای که کارکرد دارد اگر ده‌ها پلیس و صدها نیروی امنیتی هم بیاورد که جلوی آن را بگیرد که تحقق نشود، باز محقق می‌شود. مثلاً هم اکنون در جامعه‌ای که ما در آن زندگی می‌کنیم، شغل شریف نعل بندی که چند دهه پیش بود یا نمکی‌ها که چند دهه پیش در جامعه ما بودند، الان منقرض شده‌اند یعنی اگر تمام جامعه ما دست به دست هم بدهند، نمی‌تواند دوباره

چالش‌های اخلاقی مواجه با ایده را می‌خواهیم مرور بکنیم. این جا هفت چالش نوشته‌ام که نمی‌دانم چند تا از این چالش‌ها را می‌توانم توضیح بدهم، اما سعی می‌کنم چند مورد از آن را توضیح بدهم. اما اولین مورد چالش سنجی، خرافه است به این معنا که به واقع ما هیچ معیاری برای سنجش خرافه نداریم یعنی در واقع برای مشخص کردن خرافه چه عملی باشد یا عملی نباشد در آن نداریم، ممکن است بگویید معیار عقل است، ولی واقعیت این است که اختلافات زیادی الان بین عقلاً وجود دارد، این نشان می‌دهد که عقل این معنایی که فکر می‌کنیم خیلی بسیط و ساده است را ندارد. بسیاری از چیزها ممکن است، برای یک جامعه‌ای اموری معقول تصور بشود و برای جامعه‌ای امور غیر معقول تصور شود.

ما الان دیدگاه‌ها و نظریه‌های مختلف، ادبیات مختلف درباره موضوعات مختلف در علم داریم به این سادگی نیست که بگوییم فلان مسئله با علم می‌سازد اما علم‌هایی که نتوانند داوری و ارزیابی بکنند وارد نمی‌شود و خیلی از مسائل خرافه از دست ارزیابی علمی دورند، لذا علم نمی‌تواند قضاوتی کند. مثلاً در مورد وجود فرشته یا جن علم نمی‌تواند چیزی بگوید می‌تواند عنوان کند که وجود دارد یا وجود ندارد به دلیل این که این مسئله در حوزه علم قابل دستیابی نیست یعنی داوری در مورد این را ندارد، لذا خودش را به کنار می‌کشد. علم در بسته است یعنی یک زمانی عده‌ای هر چیزی را که نمی‌توانستند مورد ارزیابی قرار بدهند آن را انکار می‌کردند. ولی از سال ۱۹۶۰ به این طرف، یعنی نیمه دوم قرن به این طرف این پارادایم فردی کاسته شده و از بین رفت و الان اگر در جهان علم امکان ارزیابی آن را نداشته باشد عنوان می‌کنند که ما نمی‌توانیم درباره آن صحبت کنیم، لذا خودشان را کنار می‌کشند و می‌گویند ما قضاوت و ارزیابی در این باره نداریم. لذا درست است که ما این متغیرها را گفتیم. گفتیم معیار عقل، با علم یا دین است. که دین هم متفاوت است، چیزی که برای من مسلمان شیعه ممکن است خرافه نباشد برای من هندو و بودایی برای یک مسلمان سنی ممکن است خرافه تصور بشود، لذا این جا ما چالش داریم به نام چالش سنجش خرافه که ما بتوانیم طبق آن بگوییم که آن خرافه است یا نه. این خیلی کار را دشوار می‌کند و ممکن است باعث پیدایش ستیزه‌های جدی هم در جامعه بشود، همین تعدادی که الان این جا هستیم، اگر در مورد یک مسئله سخن بگوییم، یک نمونه عینی است. همه ما معتقدیم که خرافه چیز بدی است، اما اگر همه ما بخواهیم در مورد یک مسئله ساده و مطرح صحبت کنیم که این خرافه است یا نیست قاعدتاً اوضاع ما به این مسالمت که الان هست نخواهد بود و احتمالاً یک مشاجره‌های بین ما رخ خواهد داد، این نشان می‌دهد که این معیارها باز شفاف نیستند و تلاش برای حذف خرافه به دلیل عدم معیارهایی برای سنجش خرافه ممکن

خواهم بگویم کار به این سادگی که ما فکر می‌کنیم نیست، کار براعت نیست یعنی آن قدر بدیهی نیست که ما گمان می‌کنیم، پیچیدگی‌هایی دارد که ساده نیست.

چالش سومی که در این جا وجود دارد، چالش از دست رفتن سامان اجتماع است، از نظر جامعه شناسان تعریف امر اخلاقی تعریف با امر اخلاقی که یک متدین تعریف می‌کند فرق می‌کند. از نظر یک جامعه شناس امر اخلاقی، امری است که جامعه بر آن توافق دارد و اصلاً ارزش پیشین را ندارد که مثلاً یک دستگاه فلسفی درست کنیم و بگوییم چون که به لحاظ فلسفی این نتایج را دارد مطلوب است چون تکلیف است یا سودی یا فلان مکاتبی که وجود دارد و نه از نظر جامعه شناسی هر امری که مورد توافق جامعه باشد، امر اخلاقی تصور می‌شود مگر این که اصلاً معقول نباشد، دقت بفرمایید مگر این که اساساً معقول نباشد. نظام ارزشی از نگاه جامعه شناسان به این گونه توصیف می‌شود، این گونه بیان می‌شود که جامعه شناسی اساساً علم کنش و بررسی کنش‌های نا معقول بشر است یعنی کنش‌هایی که از نظر یک فیلسوف نامعقول‌اند یعنی خرافه‌اند ولی از نظر یک جامعه شناس که کارش هم همین است. ما در هندسه، قضیه ای داریم به نام قضیه حماریه، قضیه الاغیرهم، خط مستقیم و کوتاه‌ترین فاصله بین دو نقطه را می‌گویند. ولی قدیم می‌گفتند، فاصله ای که یک خر گرسنه طی می‌کند تا به علف برسد این را به اصطلاح خط مستقیم می‌گویند. حالا در جامعه کوتاه‌ترین راه رسیدن به هدف مهم نیست، هیچ کدام از ما کوتاه‌ترین راه را طی نمی‌کنیم بلکه مناسب‌ترین فاصله را طی می‌کنیم یعنی خواسته‌های خودمان را داخل سنت قرار می‌دهیم خواسته‌های خودمان را از طریق سنت به آن عمل می‌کنیم، مثلاً من برای پسر می‌خواهم خواستگاری بروم باید بروم دو زانو در منزل دختر خانوم بنشینم و بگویم که من این جا آمده‌ام که پسر را به غلامی قبول کنید که به طور مثال این تشریفات طی و تمام می‌شود، این فاصله مستقیم نیست این فاصله یعنی این که من تقاضای خودم را در سنت قرار می‌دهیم و به آن عمل می‌کنم. این از نظر یک فیلسوف ممکن است غیر اخلاقی باشد و اساساً خرافه باشد اما از نظر یک جامعه شناس این عمل کاملاً یک عمل اخلاقی و کاملاً پذیرفته شده است، حالا این توافقات یا این خلیقات که خرافه هم بخشی از این‌ها است یعنی چیزی که من مشاهده کردم آن را خرافه بدانم یعنی بخشی از آن مثل یک چسب عمل می‌کند و جامعه را نگه می‌دارد. حالا اگر یک آدمی بلند شود و بگوید من می‌خواهم با این خرافه‌ها مبارزه کنم می‌زند چسب این جامعه را متلاشی می‌کند و این جامعه را در معرض متلاشی شدن قرار می‌دهد و این قطعاً امر غیر اخلاقی و عملی نادرست است که چیزهایی که فرد، جامعه را به هم پیوند می‌دهد و طبقات مختلف جامعه را به هم گره زده حالا شما می

نمی‌ها را زنده کنند چرا؟ چون یک چیزی وجود داشت آن زمان که الان وجود ندارد. قدیم این نمی‌ها بودند، به این دلیل که جامعه فکر می‌کرد که این نان و نمک‌ها امور مقدسی هستند و امور مقدس هم خرید فروش آن‌ها حرام است، لذا یک شغل نمکی درست شده بود که در کوچه‌ها راه می‌رفتند، این‌ها را با هم مبادله می‌کردند، نمک می‌دادند و نان خشک می‌گرفتند، چون خرید و فروش نان و نمک هر دو حرام بود، ولی مبادله آن‌ها جایز بود، به همین دلیل نمکی‌ها بودند. اما هم اکنون در جامعه یا آن‌ها را مقدس نمی‌داند یا خرید و فروش آن‌ها را جایز می‌داند. افراد به سوپر مارکت رفته، نان و نمک خود را تهیه می‌کنند به همین دلیل اگر ده‌ها پلیس هم بیایند نمی‌شود نمکی‌ها را برگرداند اما اگر ده‌ها پلیس و ستاد در داخل جامعه برای مبارزه با مواد مخدر باشد و تمام بضاعت‌ها صرف از بین بردن مواد مخدر بشود، باعث از بین بردن مواد مخدر نمی‌شود و فقط آب در هاون کوبیدن است. اگر بخواهید آن را حذف کنید حتی اگر موفق هم بشوید، به وسیله آن بخشی از جامعه را از بین برده‌اید.

پرسش: اگر خرافه ضرر داشته باشد یعنی این که یک سیاستگذار و یا یک اهل علم تشخیص بدهد که خرافه ضرر دارد در حالی که خود شهروندان همچنین تشخیص ندهند، در آن صورت ممکن است دانشمند و دستگاه سیاستگذار وارد مبارزه بشود، حتی اگر ما تضمینی ندهیم که آن را ریشه کن کنیم. به طور مثال ممکن اثبات بشود که مواد مخدر ضرر دارند. مواد مخدر روان‌گردانی که مهلک هستند، فرض کنید نمونه‌های شیمیایی که هستند و همچنین مسلم شود که چنین چیزی ضرر دارد و از طرفی از نظر کارکرد گرای، یک کارکردی دارد که مردم به آن اقبال می‌کنند حتی اگر پیش بینی شود که این ریشه کن نمی‌شود به نظر شما وظیفه ما چیست؟ آیا وظیفه ما مبارزه با چنین پدیده ای نیست؟

توجه کنید اولاً، خرافه با آن چیزی که دوستان مثال زدند، مثل مواد مخدر کاملاً متفاوت است آن را بعداً در علوم طبیعی می‌توانید ثابت کنید که مثلاً مصرف این دارو یا مصرف سیگار را مضر می‌داند و علوم طبیعی این را نشان می‌دهد، اما برای خرافه نمی‌توانید این کار را بکنید یعنی به این سادگی نیست که شما بیاید نشان بدهید که خرافه عملی نادرستی است، اما نکته مهم آن این است که علمی آن را تشخیص بدهد که مثلاً خرافه مذوم و مضر است. البته بعداً خواهیم گفت که تشخیص آن کار سخت است به این سادگی نیست که علما به این نتیجه برسند که مثلاً چرا وجود خرافه مضر است؟ مضر است، بالاخره این کار ساده ای نیست و در چالش‌های بعدی توضیح خواهیم داد. البته من خیلی موافق این چالش کارکردی نیستم و صرفاً به عنوان یک چالش آن را مطرح می‌کنم و نمی‌خواهم نتیجه بگیرم که خرافه عملی کار غیر اخلاقی است، می

ساده بگویم ، پاسخ روشن بنده نه می باشد . واقعا ما نمی توانیم مشابه یک دیندار باشیم ولی مصادیق چیزی که خرافه می انگاریم که با یک جامعه شناس یا با یک فیلسوف یکی باشد یا در موضع یک جامعه شناس باشیم ، ولی مصادیق آن چه را که خرافه می انگاریم ، کاملاً شبیه کسی می باشد که در موضع دین قرار دارد و نسبت به باور های دینی سخن می گوید همین مثالی که بنده زدم به عنوان یک جامعه شناس مرکز نمی توانم وجود یک جن را بپذیرم و وجود آن را یک خرافه می- انگارم و آن قدر هم بر این عقیده ام مستحکم هستم که حتی وقتی در پارادایم دین تلاش می کنم که حتی در تفسیر آیه های قرآن به عنوان یک کسی که معتقد است هر چیزی غیر تجربی است و نمی شود تجربه اش کرد و وجودش منتهی است .

این که پیامبران آمده اند که خرافه ها را از بین ببرند بر اساس چه منطقی است؟ به طور مثال مردم آن زمان فکر می کردند اگر بروند بالای کوه و یک گاو نری را به بالای کوه ببرند و آتش بزنند و به اصطلاح پشت گاو نری را آتش بزنند و از آن بالا به پایین نعره بزند ، باعث آمدن باران می شود. به طور مثال ما از موضع یک متدین می گوییم خرافه است ، از موضع یک عالم تجربی هم می گوییم خرافه است ، از موضع یک عالم عقلی هم می گوییم خرافه است. اما بعدا در همین دین می شود گفت که شما اگر نماز استغاثا بخوانید باران می آید . دوباره از موضع عقل من می گوییم ، چه نسبتی به این نماز و آن باران وجود دارد و از موضع تجربه ممکن است بگوییم که مثلاً این اثبات شده نیست ولی از نظر آن دیندار این عمل خرافه نیست ، در حالی که در ماهیت این عمل از نگاه یک عالم تجربی یا یک فیلسوف ممکن است ، خرافه محسوب شود. درباره کسانی که انسان های دینداری هستند و رفتند دانشگاه و علوم انسانی خوانده اند ، از این ها سوال ساده می پرسیدم که آیا این تحصیلات آکادمیک و علمی ، شما را با باور داشته هایتان وارد ستیزه کرده است ؟ آیا چالش درگیری پیدا کرده اید ؟

آیید این ها را به هم می زنید و از بین می برید و به اصطلاح می خواهید این چسب را حذف کنید کل جامعه را از بین می برید، مثل این که می خواست ابرو درست کند چشمش را کور کرد، همین است یعنی این که شما می خواهید یک بخش را درست کنید ولی اساس جامعه را از بین بردید و سامان اجتماعی را خراب کردید . یک دوچرخه سوار وقتی که دارد پا می زند و می رود اصلاً نمی داند که فیزیک چیست؟ فشار عضله چیست؟ و بگویید کدام عضله شما روی عضله چهار سر فشار می آورد که شما می توانید رکاب بزنید؟ اگر این سوال را از فرد دوچرخه سوار در حین دوچرخه سواری بپرسید به زمین می خورد و کلاً دوچرخه سواری را فراموش می کند. این جامعه به این شکل سامان داده شده است . اگر بخواهیم این مواردی که افراد جامعه را به هم گره زده حذف کنیم ، عملاً جامعه را در معرض متلاشی شدن قرار داده ایم و این هم یک چالشی است.

پرسش: دونکنه مطرح شد ، این ها یک سری عینیت هایی هستند که ممکن است با هم دیگر بر سر آن ها به اصطلاح توافق نکنیم. واقعیت بیرونی به ما این را می گوید ، چیزی را که من خرافه می دانم، ممکن است آقای دکتر بیات خرافه نداند . آقای دکتر بیات اگر در پارادایم فلسفه باشد ، ممکن است یک عمل را خرافه نداند . اگر من در پارادایم علم تجربی باشم، ممکن است آن را خرافه بدانم. آیا این راه گفت و گو را بر ما می بندد و یا نمی بندد؟ این موضوع قطعاً گفت و گو را برای ما سخت می کند. ما باید منظورمان را بگوییم که در چه جایگاهی ایستادیم و از چه موضعی سخن می گوییم. وقتی مثلاً یک دیندار می گوید که اعتقاد به وجود فرشته خرافه نیست ، باید بگوییم ما از چه موضعی سخن می گوییم و من هم به عنوان کسی که در پارادایم علم ایستاده ام باید بپذیرم که او در جایی ایستاده که این را مشاهده می کند یعنی به این شکل فکر می- کند و من نیز در موضع خودم ممکن است آن را خرافه بدانم و چیزی را که او حقیقت می پندارد ممکن است من خرافه بدانم و یک فیلسوف دیگر ممکن است یک نظر دیگری بدهد ، این ها به هر حال یک واقعیت هایی است که وجود دارد و ما نمی توانیم آن ها را انکار کنیم .

برگزاری دور اول نشست‌های سند توصیه‌نامه اخلاق هوش مصنوعی

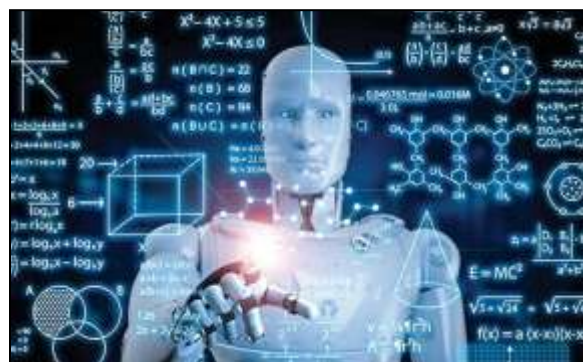
کارشناسان کشورها در روند نهایی‌سازی این پیش‌نویس در دور اول در روزهای ۲۶ تا ۳۰ آوریل ۲۰۲۱ در نشست‌های آنلاین به نهایی‌سازی تدوین سند پرداختند. دور دوم و نهایی نشست‌ها در ژوئن ۲۰۲۱ برگزار می‌شود و نهایتاً متن توصیه‌نامه اخلاق هوش مصنوعی به چهل‌ویکمین کنفرانس عمومی یونسکو ارائه خواهد شد تا از تصویب نهایی بگذرد.

توصیه‌نامه اخلاق هوش مصنوعی ۱۴۱ ماده دارد و دارای یک مقدمه و هشت بخش به قرار زیر است:

دامنه کاربرد، اهداف، ارزش‌ها و اصول (شامل ارزش‌ها، شکوفایی اکوسیستم و زیست‌بوم، تضمین تنوع و فراگیری، همزیستی مسالمت‌آمیز در جوامع مرتبط، اصول: تناسب و عدم اضرار، ایمنی و امنیت، انصاف و عدم تبعیض، پایداری، حریم خصوصی و حفاظت از داده‌ها، عزم و نظارت انسانی، شفافیت و تضمین‌پذیری، مسئولیت و پاسخگویی، آگاهی و سواد، چند ذی‌نفعی و تشریک مساعی و حاکمیت انطباقی)، قلمروهای اجرای برنامه (مشمول بر یازده قلمرو: برآورد تأثیرات اخلاقی، نظارت و حاکمیت اخلاقی، سیاست‌های داده‌ای، همکاری بین‌المللی و توسعه، زیست‌بوم و اکوسیستم‌ها، جنسیت، فرهنگ، آموزش و پژوهش، ارتباطات و اطلاعات، اقتصاد و کار، بهداشت و رفاه اجتماعی)، نظارت و ارزیابی، بهره‌برداری از توصیه‌نامه، ارتقای توصیه‌نامه و پیش‌بینی آینده.

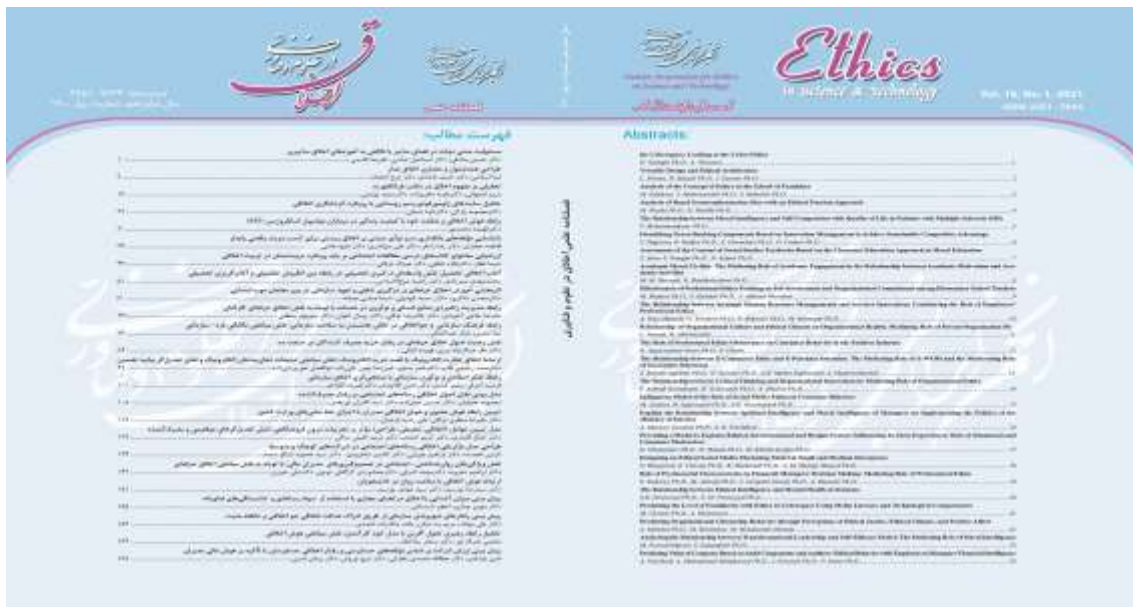
منبع: وب سایت کمیسیون ملی یونسکو - ایران

دور اول بررسی تدوین سند توصیه‌نامه اخلاق هوش مصنوعی در نشست‌های فشرده آنلاین جهانی با حضور کارشناسان کشورهای عضو یونسکو به پایان رسید. این نشست‌ها طی پنج روز (۲۶ تا ۳۰ آوریل ۲۰۲۱) برگزار شد.



ادری آژولای دبیرکل یونسکو مطابق مصوبه کنفرانس عمومی ابتدا در مارس ۲۰۲۰ یک گروه ۲۲ نفره از متخصصان را مامور تدوین پیش‌نویس این سند کرد و سپس پیش‌نویس برای بازبینی در اختیار کارشناسان کشورهای عضو یونسکو قرارگرفت تا نظرات خود را اعمال کنند و بالاخره نقطه‌نظرات کشورها در خصوص این پیش‌نویس در تاریخ ۳۱ دسامبر ۲۰۲۰ به یونسکو برگردانده شد.

انتشار شماره بهار (پیاپی ۶۱) سال ۱۶، شماره ۱ فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری



تحلیل سایت های ژئومورفوتوریسم روستایی با رویکرد گردشگری اخلاقی

دکتر معصومه پاژی، دکتر داود شیخی..... ۲۲
رابطه هوش اخلاقی و شفقت خود با کیفیت زندگی در بیماران مولتیپل اسکلروزیس (MS)..... ۳۰

شناسایی مؤلفه های بانکداری سبز نوآور مبتنی بر اخلاق زیستی برای کسب مزیت رقابتی پایدار

فاطمه حجاران، دکتر رضا رادفر، دکتر علی دیواندری، دکتر داوود فدایی..... ۳۶
ارزشیابی محتوای کتاب های درسی مطالعات اجتماعی بر پایه رویکرد تربیت منش در تربیت اخلاقی..... ۴۳

آداب اخلاقی تحصیل: نقش واسطه ای درگیری تحصیلی در رابطه بین انگیزش تحصیلی و آداب گریزی تحصیلی

شیمای عطار، دکتر فائزه ناطقی، دکتر نصراله عرفانی..... ۵۱
محمد مهدی شیرزادی، دکتر راضیه شیخ الاسلامی..... ۵۱
اثربخشی آموزش اخلاق حرفه ای بر درگیری شغلی و تعهد سازمانی در بین معلمان دوره ابتدایی..... ۶۰
دکتر محسن شاکری، دکتر سمیه کهدوشی، شیمای عباسی هرفته..... ۶۰

فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری یک فصلنامه علمی با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مجوز علمی از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با صاحب امتیازی انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری می باشد که از سال ۱۳۸۵ تا کنون به شکل منظم منتشر می شود. این فصلنامه هم اکنون دارای رتبه ب از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است.

بدینوسیله به اطلاع پژوهشگران حوزه اخلاق می رساند که شماره بهار ۱۴۰۰ فصلنامه علمی اخلاق در علوم و فناوری منتشر شد. مقالات چاپ شده در این شماره به شرح زیر می باشند:

فهرست مطالب:

مسئولیت مدنی دولت در فضای سایبر با نگاهی به آموزه های اخلاق سایبری

دکتر حسین صادقی، دکتر اسماعیل عباسی، علیرضا قاسمی..... ۱
طراحی همه شمول و معماری اخلاق مدار..... ۹
لیدا اسلامی، دکتر حمید ماجدی، دکتر ایرج اعتصام..... ۹
تحلیلی بر مفهوم اخلاق در مکتب فرانکفورت..... ۱۶
مریم اصفهانی، دکتر طیبیه ماهروزاده، دکتر سعید بهشتی..... ۱۶

نازنین خجسته، دکتر ابراهیم چیرانی، دکتر کامبیز شاهرودی، دکتر سید محمود شبگو	۱۳۴
منصف	
نقش ویژگی‌های روان‌شناختی-اجتماعی در تصمیم‌گیری‌های مدیران مالی: با توجه به نقش میانجی اخلاق حرفه‌ای	
ابراهیم دهرویه، دکتر مجید اشرفی، دکتر جمادوردی گرگانلی دوجی، دکتر علی خوزین	۱۴۲
ارتباط هوش اخلاقی با سلامت روان در دانشجویان	
دکتر سید رضا پورسید، دکتر سید مهدی پورسید	۱۵۱
پیش بینی میزان آشنایی با اخلاق در فضای مجازی با استفاده از سواد رسانه ای و شایستگی های فناورانه	
دکتر مهین چناری، اعظم شیبستانی	۱۵۵
پیش بینی رفتارهای شهروندی سازمانی از طریق ادراک عدالت اخلاقی، جو اخلاقی و عاطفه مثبت	
دکتر علی مهداد، مریم بت شکن، مانده ملک زاده احمدی	۱۵۹
تحلیل رابطه رهبری تحول آفرین با مدل خود کارآمدی: نقش میانجی هوش اخلاقی	
مجتبی نصراله پور، دکتر سنجر سلاجقه	۱۶۴
پیش بینی ارزش شرکت بر اساس مؤلفه‌های حساسیتی و رفتار اخلاقی حساب‌رسان با تأکید بر هوش مالی مدیران	
امین نوشادی، دکتر عطالله محمدی ملقرانی، دکتر ایرج نوروش، دکتر پیمان امینی	۱۶۸

Website: www.ethicsjournal.ir
Email: info@ethicsjournal.ir

رابطه مدیریت راهبردی منابع انسانی و نوآوری در خدمات با توجه به نقش اخلاقی حرفه ای کارکنان	
علیرضا حاجی آخوندی، دکتر غلامرضا توکلی، دکتر پیمان اخوان، دکتر منوچهر منطقی	۶۹
رابطه فرهنگ سازمانی و جواخلاقی در تعالی بخشیدن به سلامت سازمانی: نقش میانجی یگانگی فرد-سازمانی	
لیلا نعمتی، بابک عبدالملکی	۷۶
نقش رعایت اصول اخلاق حرفه‌ای در رفتار خرید مصرف کنندگان در صنعت مد	
دکتر باقر عسگرنژاد نوری، فهیمه الیکی	۸۴
ارتباط اخلاق تجارت الکترونیک با قصد خرید الکترونیک: نقش میانجی تبلیغات دهان‌به‌دهان الکترونیک و نقش تعدیل‌گر بیانیه تضمین	
دکتر صمد رحیمی اقدم، دکتر ناصر صنوبر، امیررضا مهین تقی‌زاده، ابوالفضل حق وردی-زاده	۹۲
رابطه تفکر انتقادی و نوآوری سازمانی با میانجی گری اخلاق سازمانی	
فرشید اشرفی سلیم کندی، دکتر حسن قلاوندی، دکتر علیرضا قلعه‌ای	۱۰۰
مدل بومی نقش اصول اخلاقی رسانه‌های اجتماعی بر رفتار مصرف‌کننده	
معصومه جلیلیان، دکتر حسین صفرزاده، دکتر سید کامران نوربخش	۱۰۸
تبیین رابطه هوش معنوی و هوش اخلاقی مدیران با اجرای خط مشی های وزارت کشور	
دکتر علیرضا منطری توکلی، علی رشید فرخیان	۱۱۷
مدل تبیین عوامل (اخلاقی، محیطی، طراحی) مؤثر بر تجربیات درون فروشگاهی: نقش تعدیل گرهای موقعیتی و مصرف‌کننده	
دکتر کمال قلندری، دکتر کریم حمدی، دکتر مریم خلیلی عراقی	۱۲۳
طراحی مدل بازاریابی اخلاقی رسانه های اجتماعی در شرکت های کوچک و متوسط	

انتشار شماره بهار (پیاپی ۹)، سال ۳، شماره ۱

International Journal of Ethics & Society



Investigating Criminal Responsibility of International Organizations in the International Law System

Abbas Rafiee.....9

Original Article(s)

Ethical Challenges of School Principals during of COVID-19

Abolfazl Ghasemzadeh Alishahi, Mohsen Mohammadi, Hamed Minae15

Provide a Model for Evaluating Public Policy with an Emphasis on Professional Ethics

Nasrin Nejati, Alireza Maetoofi, Ali Farhadi Mahalli, Rahman Ghaffari.....24

The Effect of Intentions on Ethical Purchasing Behavior in Islam: Moderating

فصلنامه انگلیسی زبان اخلاق و جامعه (*IJES*) یک فصلنامه علمی با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مجوز علمی از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و صاحب امتیازی انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری می باشد که از سال ۲۰۱۹ تا کنون منتشر می شود. این فصلنامه هم اکنون دارای رتبه ب از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است.

بدین وسیله به اطلاع پژوهشگران حوزه اخلاق می رساند که شماره زمستان فصلنامه علمی اخلاق در علوم و فناوری منتشر شد. مقالات چاپ شده در این شماره به شرح زیر می باشند:

Review Article(s)

Ethics and Excuse in Contract Execution in Iranian Civil & Commercial Law

Amir Abbas Mirzaei, Abdolrahim Moradi, Alireza Saberian.....1

Barbod Shabaninezhad Kisomi, Sanjar Salajegheh, Alireza Manzari, Mohammad Jalalkamali.....50

The Role of Organizational Silence & Organizational Mobbing on the Turnover Intention

Bahman Saeidipour, Peyman Akbari, Zahra Alizade.....59

Email: info@ijethics.com

Website: www.ijethics.com

Role of Subjective Knowledge & Perceived Reliability

Kamal Ghalandari.....33

Designing a Good Corporate Governance Model in the Context of Ethics and Rationality

Ghazaleh Nazari-Aref Behzad Farrokh-Seresht, Ghorbanali Agha-Ahmadi Saeed Eslami.....41

Relationship between Participatory Ethical Culture & Evaluating the Performance of Knowledge Employees & Its Outputs

تسلیت

انا لله و انا الیه راجعون

دکتر بهزاد قره‌یاضی، استاد برجسته مهندسی ژنتیک و عضو پیوسته انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری دعوت حق را لبیک گفت. ایشان در صبحگاه روز ۱۵ خرداد ۱۴۰۰ در پی ابتلا به بیماری کرونا جان به جان آفرین تسلیم کرد. انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری این مصیبت دردناک را به جامعه علمی کشور و همچنین خانواده آن عزیز تسلیت گفته و آرزوی مغفرت و آمرزش برای آن مرحوم و صبر جزیل برای بستگان وی از درگاه خداوند متعال مسئلت می نماید.

روحش شاد و یادش گرامی باد
روابط عمومی انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری



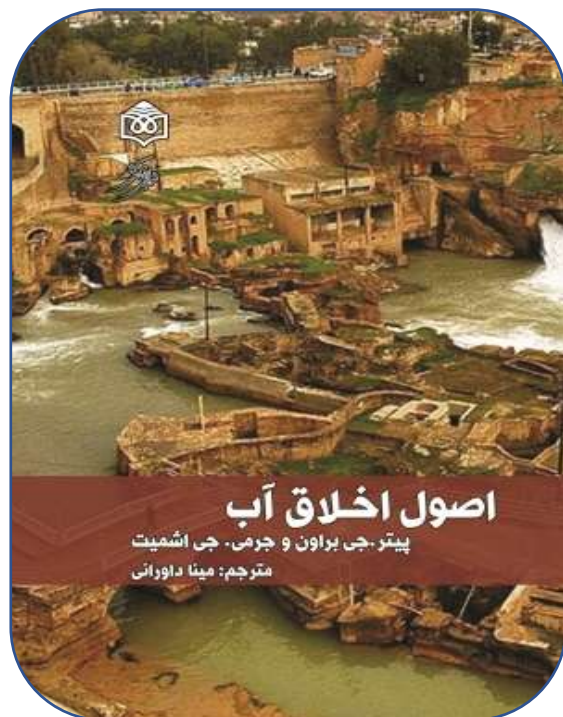
معرفی کتاب

شده‌اند. هر بخش کتب وسط یک مقاله مقدماتی اصلی نوشته شده و توسط ویراستاران تنظیم شده است.

نویسندگان با نوشتن این کتاب ۳ چشم‌انداز مهم را به مخاطبان ارائه داده‌اند. درجه نخست، نویسندگان این کتاب یک مجموعه فوق‌العاده از چشم‌اندازها و نظام‌های متنوع را گردآوری کرده‌اند، که هر یک از آن‌ها به طرقی مسائل مهمی درباره اصول اخلاقی آب را بیان می‌دارد. درجه دوم، نویسندگان مقاله یک چارچوب فکری درباره اخلاق آب فراهم کرده‌اند و در چند بخش موضوعی مختلف (یعنی ۱) حق حاکمیت و دعوی انسانی بر آب (۲) سودمندگرایی (۳) آب به عنوان منبع اجتماعی (۴) آب ثروت مشترک زندگی (۵) اخلاق در سیستم‌های پیچیده به تشریح آن پرداخته‌اند. درجه سوم، نویسندگان این کتاب در تلاش هستند تا اخلاق را در مدیریت منابع پایدار آب به شکل عملی پیاده سازند و این امر یعنی تأکید بر حیثیت عملی، که این امر سومین خدمت نویسندگان به مسئله آب می‌باشد. از این طریق می‌توان دریافت که هدف از نوشتن این اثر به وجود آوردن یک دست نوشته برای دانشجویان نیست، بلکه کتاب اهداف عملی را نیز تعقیب می‌نماید. به عنوان فلاسفه، نویسندگان مقاله در تلاش هستند تا مدیران آبی، محققان، سیاستگذاران و فعالین را با مسائل اخلاقی درگیر کنند.

در بخش مقدمه، مسئله اخلاق را برای مخاطبان تشریح می‌کند. از خلال مطالب ارائه شده می‌توان به این امر پیبرد که مباحث مطرح شده به نظرمی رسد بیشتر با مباحث سیاست‌های آب و نه فلسفه مرتبط هستند. اشمیت، اخلاق آب را چارچوب‌های هنجاری می‌داند که بر کنش‌های ما به روی آب تأثیر می‌گذارند. اشمیت معتقد است که بدون اخلاق آب، امکان سیاستگذاری در حوزه آب وجود ندارد؛ چرا که هر چارچوب تصمیم‌گیری به قضاوت‌های ارزشی وابسته است که به آن‌ها در حل مسائل کمک می‌نماید. مسئله تأثیرگذاری قضاوت‌های اخلاقی بر مدیریت آب در عمل، تم اصلی این کتاب را تشکیل می‌دهد.

منبع: <https://anthropologyandculture.com>



کتاب اصول اخلاق آب نوشته Peter, J. Brown and Jeremy Schmidt, و ترجمه مینا داورانی است که در سال ۱۳۹۶ به همت پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر شده است.

این کتاب دارای شش فصل است که در هر شش فصل مباحثی درباره رویکردهای فکری متفاوت درباره ارتباط بین آب و جوامع انسانی را مورد توجه قرار داده است. از سودمندگرایی (utilitarianism) و اکوفنیزم تا عقاید و ادبیانی مانند هندوئیسم، مسیحیت و اسلام تشریح